



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

عملیات کریالی

آزادی مهران

مجموعه استراتژی نظامی مهران

دکتر احمد احمدی، فرمانده مهران

مركز مطالعات و تحقيقات نظامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عملیات کربلای ۱

نویسنده:

مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	عملیات کربلای ۱: آزادی مهران، شکست استراتژی دفاع متحرک عراق
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۵	مقدمه
۱۸	شناسنامه عملیات
۱۹	مروری بر اوضاع جغرافیایی و سیاسی - نظامی منطقه مهران قبل از عملیات کربلای ۱
۱۹	وضعیت جغرافیایی
۱۹	عوارض طبیعی
۲۰	سابقه نظامی منطقه عملیات
۲۱	عملیات والفجر ۳
۲۱	اشاره
۲۴	نتایج عملیات والفجر ۳
۲۴	خسارات خودی
۲۴	خسارات دشمن
۲۵	استراتژی دفاع متحرک عراق
۳۰	عملیات کربلای ۱ (آزاد سازی شهر مهران)
۳۰	ضرورت اجرای عملیات
۳۰	اهداف عملیات
۳۰	موقعیت منطقه
۳۱	اقدامات عملی برای اجرای عملیات
۳۱	شناسایی
۳۱	حفاظت، فریب و غافلگیری
۳۳	طراحی عملیات

۳۳	مباحث و سیر طرح مانور
۳۴	سازمان رزم
۳۶	وضعیت دشمن
۳۷	شرح عملیات
۳۷	اشاره
۴۱	آزاد سازی شهر مهران (۱۳۶۵ / ۴ / ۱۱)
۴۶	نتایج عملیات کربلای ۱
۴۶	اشاره
۴۷	توان رزمی نیروهای دشمن در عملیات کربلای ۱
۴۷	تلفات و خسارات دشمن
۴۷	یگان های درگیر دشمن در طول عملیات و میزان انهدام آنها
۴۸	حفظ دور تک تا عملیات بزرگ
۴۹	بازتاب آزادسازی شهر مهران
۵۸	ضمیمه: شناسایی در قلب دشمن
۷۱	درباره مرکز

عملیات کربلا ۱: آزادی مهران، شکست استراتژی دفاع متحرک عراق

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: عملیات کربلا ۱: آزادی مهران، شکست استراتژی دفاع متحرک عراق / تهیه مدیریت بررسی های تاریخی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۶۳ ص.:: نقشه؛ ۲۱×۱۱ س.م. + یک ورق نقشه تاشده.

شابک: ۹۶۴-۶۳۱۵-۶۶-۶۲۵۰۰ ریال:

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: ۱: The Battle of Karbala.

یادداشت: The Battle of Karbala ۱: Libevation of Mehran the defeat Iraqi mobile defence (stratcgy (planning, opevation, consequences

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۹ - ۵۰.

عنوان دیگر: آزادی مهران، شکست استراتژی دفاع متحرک عراق

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- عملیات کربلا ۱

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- نبردها

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- مهران

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. مدیریت بررسی های تاریخی

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره: DSR۱۶۰۷/ک ۳۵ع ۸ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۴۲۹۳۱

ص: ۱

اشاره

دوران هشت سال دفاع و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر هجوم نظامی رژیم عراق - که با ترغیب امریکا آغاز شد و با پشتیبانی همه ی قدرت های سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان ادامه یافت - از بارزترین مقاطع حیات حقیقی این مرز و بوم است.

اینک که بیش از شانزده سال از پایان این دوره ی سرنوشت ساز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی می گذرد، تبیین حماسه های عظیم و ارزشمندی که مردم و رزمندگان این سرزمین آفریدند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با درک این رسالت تاریخی، تلاش می کند با بهره گیری از اسناد، مدارک و منابع بی نظیری که راویان و محققان این مرکز در طول جنگ هشت ساله جمع آوری کرده اند، ابعاد مختلف دفاع مقدس را ترسیم نماید.

بی تردید وجود اخبار، گزارش ها، آمار و اطلاعات معتبر و موثقی که از مراکز طرح ریزی، هدایت و فرماندهی عملیات ها تا میدان های نبرد و صحنه های درگیری به صورت زنده و واقعی جمع آوری گردیده بر غنای آثار مرکز مطالعات می افزاید و زوایای مختلف و تاریک جنگ را با هدف آگاه سازی افکار عمومی روشن می سازد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تاکنون مجموعه های متعددی را درباره ی وقایع جنگ عراق علیه ایران منتشر کرده است. این مجموعه که گزارش نبردهای اصلی رزمندگان اسلام در مقابله با ارتش عراق و هم پیمانانش می باشد، برای دسترسی آسان تر و آشنایی بیشتر علاقه مندان و محققان به وقایع این نبرد عظیم است که هر جلد آن به یکی از عملیات های اصلی جمهوری اسلامی علیه متجاوزان

اختصاص دارد و به صورت نسبتاً خلاصه و جمع بندی شده تهیه می شود و شامل شناسنامه ی عملیات، اوضاع سیاسی و نظامی در آستانه عملیات، طرح ریزی و اجرای عملیات، نتایج و بازتاب های آن می باشد.

این کتاب با کوشش مهدی خداوردی خان و حمیدرضا فراهانی، با استفاده از اسناد نظامی منتشر نشده ی مرکز، منابع سیاسی و کتاب های منتشر شده ی مرکز مطالعات از جمله «گزارش عملیات کربلای ۱» نوشته محسن رخصت طلب و کتاب «تنبیه متجاوز» نوشته حسین اردستانی تهیه شده است.

ویرایش محتوایی این کتاب را مهدی انصاری و ویرایش ادبی آن را احمد نصرتی به انجام رسانده اند و در آماده سازی آن حسین مجیدی، هادی کریم دهنوی و محمد علی باغی (حروف چینی، صفحه آرایی، طرح جلد) همکاری کرده اند.

امید است این کوشش ناچیز مورد رضای حضرت حق جل و علا- و موجب ادای گوشه ای از حق شهیدان، جانبازان و رزمندگان این نبرد عظیم و مقتدایشان حضرت امام خمینی شود و جویندگان حقایق این واقعه بزرگ از آن بهره مند شوند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۸۳

نام عملیات: کربلای ۱

رمز عملیات: «یا ابوالفضل العباس (ع) ادرکنی»

منطقه عملیات: جبهه میانی - مهران

تاریخ عملیات: ۴/۹ تا ۱۹/۴/۱۳۶۵

نوع عملیات: گسترده

هدف: آزادسازی شهر مهران و ارتفاعات مهران

فرماندهی عملیات: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

استعداد نیروهای درگیر خودی: ۳۴ گردان پیاده، ۴ گردان زرهی، ۹ گردان ادوات و ۶ گردان توپخانه.

استعداد نیروهای درگیر دشمن: ۵۲ گردان پیاده، ۷ گردان زرهی، ۵ گردان مکانیزه، ۲۳ گردان کماندو، ۲۴ گردان گارد جمهوری و ۱۵ گردان توپخانه

تلفات دشمن: حدود ۱۰۰۰۰ کشته و زخمی، ۱۲۱۰ اسیر

خسارات دشمن: انهدام ۱۱۰ دستگاه تانک و نفربر و تعداد زیادی ادوات و خودرو

غنایم: ۶۹ دستگاه تانک و نفربر، ۸ دستگاه ماشین آلات مهندسی، ۶۱ قبضه ادوات و ۶۴ خودرو

نتایج: آزاد سازی شهر مهران، ۸ روستای منطقه، پاسگاه دراجی و سلسله ارتفاعات قلاویزان به ویژه قله ۲۲۳

در مجموع منطقه ای به وسعت ۱۷۵ کیلومتر مربع از خاک ایران و عراق آزاد شد.

وضعیت جغرافیایی

شهر مهران مرکز شهرستان مهران در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی ایلام و در مسیر ایلام - دهلران واقع شده و از غرب با عراق هم مرز است و در فاصله ۱۵۷ کیلومتری بغداد و ۲۹۰ کیلومتری کربلا قرار دارد. دشت مهران که در جبهه میانی مرزهای ایران و عراق قرار دارد از شمال به ارتفاعات کانی سخت، از جنوب به ارتفاعات قلاویزان و چکه موسی و از شرق به کوه گره بور ختم می شود. ارتفاعات قلاویزان از جنوب به سمت غرب تا داخل خاک عراق امتداد یافته است. بخشی از این ارتفاعات که در خاک ایران است، بلندتر از بخش دیگری است که در خاک عراق می باشد و بر کل منطقه اشراف و تسلط دارد. (۱).

عوارض طبیعی

دشت مهران از طرف شمال به وسیله تنگه استراتژیک کنجانچم که در میان کوه های کانی سخت قرار دارد به منطقه عمومی استان ایلام وصل می شود. کوه های زالو آب از سلسله جبال کانی سخت با ارتفاعات ۳۴۰، ۳۶۲ و ۳۲۵ متر، به دلیل تسلط بر شمال دشت مهران و فراهم کردن امکان دید و تیر بر تنگه کنجانچم و جاده مهران - ایلام از جنبه ی نظامی دارای اهمیت بسیاری است. همچنین ارتفاعات قلاویزان به دلیل اینکه تسلط نظامی نیروهای مستقر در آن را بر دشت مهران میسر می کند دارای اهمیت بسزایی است، طوری که اکثر فرماندهان در بحث های خود، از قلاویزان به عنوان کلید منطقه یاد می کردند.

ص: ۱۲

۱-۱. سند شماره ی ۶۵۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش عملیات کربلای ۱، راوی: محسن رخصت طلب تیر ۱۳۶۵، ص ۱.

این ارتفاعات از یک سمت با شیب ملایم به طرف دشت ادامه پیدا می کند و این شیب به نحوی است که بلندی های ۲۲۵، ۲۲۳، ۲۰۰ و ۲۵۴ ارتفاعات کوتاهی به نظر می آید.

دشت مهران همچنین دارای چند ارتفاع منفرد و پراکنده است که امکان دید مناسب را بر قسمت هایی از منطقه فراهم می کند. برخی از این ارتفاعات از جنب نظامی اهمیت فوق العاده ای دارند مانند تپه های ۲۷۳ رضاآباد و ۲۵۰ و ۲۲۵ غلامی در شمال منطقه و همچنین تپه ۱۷۷ که در یک کیلومتری امام زاده حسن قرار گرفته است. دو رودخانه ی کنجانچم و گاوی از عوارض طبیعی دیگری است که در دشت مهران وجود دارد. (۱).

سابقه نظامی منطقه عملیات

قبل از هجوم سراسری ارتش عراق به سرزمین ایران اسلامی از فروردین ۱۳۵۹ به طور متناوب شهر مهران و حومه آن با خمپاره و توپخانه هدف حمله قرار می گرفت. در آن هنگام شهر مهران و ۱۵ روستای اطراف آن حدود ۱۷۶ هزار نفر جمعیت داشت، اما پس از مداومت و شدت نسبی حملات دشمن، از اردیبهشت ۱۳۵۹ تخلیه شهر به تدریج شروع شد. به مرور زمان به دلیل خالی شدن شهر از سکنه و تحرکات نیروهای دشمن در نقاط مختلف مرز، واحدهایی از تیپ اسلام آباد (ارتش) برای حفظ و تأمین منطقه اعزام شدند.

پس از استقرار نیروهای تیپ اسلام آباد در خط مرزی این منطقه و اجرای آتش متقابل (هر چند ضعیف) علیه دشمن، آتش عراق قطع شد و مردم به شهر بازگشتند. بعد از مدتی تیپ ۸۴ خرم آباد جایگزین یگان قبلی در منطقه گردید. مدتی از استقرار این یگان نگذشته بود که آتش دشمن مجدداً آغاز گشت و به تدریج به آتش دو طرفه مبدل شد.

در تاریخ ۲۰ / ۶ / ۱۳۵۹ ارتش عراق میمک را اشغال کرد و هم زمان شهر مهران را زیر آتش توپخانه قرار داد و به تدریج آتش خود را

ص: ۱۳

تشدید کرد. هفت روز بعد دشمن یک درگیری در پاسگاه های زالو آب و رضاآباد ایجاد کرد و نهایتاً عقب رفت اما مجدداً در ۲۹ / ۶ / ۱۳۵۹ یک ستون نظامی از نیروهای دشمن که از طرف شهر زرباطیه به طرف پاسگاه دراجی و ارتفاعات ۳۰۳ حرکت کرده بودند، در این منطقه مستقر شدند. هم زمان با هجوم سراسری در ۳۱ / ۶ / ۱۳۵۹ نیروهای عراق از چند محور به خاک جمهوری اسلامی حمله نمودند و ضمن درگیری و تصرف پاسگاه های بهرام آباد و فرخ آباد به طرف شهر حرکت کردند. نیروهای نظامی خودی نیز با به جای گذاشتن تجهیزات خود عقب نشینی کردند.

ارتش عراق در ادامه حملات خود، در تاریخ ۱۲ / ۷ / ۱۳۵۹ در حالی که تعدادی از مردم هنوز در مهران بودند وارد این شهر شد. سرانجام نیروهای عراقی ارتفاعات شمالی (کوه گچ، زالو آب، کولک، زیل) و ارتفاعات جنوبی (قلاویزان، حمیرین) و ارتفاعات شرقی (چکه موسی، چکه قمر، گره بور) و شهر مهران را تصرف کردند و در آنجا مستقر شدند.

بعد از آزادی خرمشهر با همت رزمندگان اسلام، ارتش عراق از اکثر مناطق اشغالی باقی مانده عملیات بیت المقدس از جمله شهر مهران و ارتفاعات مزبور نیز عقب نشینی کرد و روی ارتفاعات شمالی و جنوبی شهر مهران در داخل خاک ایران مستقر شد.

بدین ترتیب اولین اشغال مهران پایان یافت، اما این منطقه همچنان زیر دید و تیر دشمن بود و شهر وضع عادی نداشت و در حالی که تقریباً به طور مداوم آماج آتش خمپاره عراقی ها بود، از برخی منازل نیمه ویران آن به عنوان پایگاه های تدارکاتی و پشتیبانی و دیگر مقرهای نظامی استفاده می شد. (۱).

عملیات والفجر ۳

اشاره

نظر به اینکه جابه جایی نیروهای خودی در منطقه عمومی مهران به ویژه از طریق جاده ایلام - مهران همواره با پذیرش خطر انجام

ص: ۱۴

می گرفت، تصمیم گرفته شد تا با اجرای عملیات محدود، ارتفاعات سرکوب منطقه تصرف و در نتیجه شهر مهران از زیر دید و تیر دشمن خارج شود و برقراری ارتباط جاده ایلام - دهلران و تسهیل در رفت و آمد و تدارک مهران حاصل گردد.

عملیات والفجر ۳ در منطقه مهران، در حد فاصل جنوب کانی سخت تا ارتفاع قلاویزان واقع در شرق مهران انجام شد. منطقه مزبور شامل ارتفاعات زالوآب، نمه کلان بو، پاسگاه دراجی تا فرخ آباد و ارتفاع قلاویزان تا قله ۱۷۵ به دو بخش شمال و جنوب تقسیم شد و در جریان عملیات، ترکیبی از یگان های ارتش و سپاه در قالب دو قرارگاه فرعی فتح ۱ و فتح ۲ و تحت امر قرارگاه نجف شامل ۹ یگان، در این دو بخش مستقر شدند. در این عملیات، ۴ لشکر و ۲ تیپ از سپاه پاسداران و ۱ لشکر، ۱ تیپ و ۱ گردان از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند. (۱) استعداد دشمن نیز در این منطقه عبارت بود از ۹ تیپ پیاده، ۲ تیپ زرهی، ۴ گارد مرزی، ۴ پیاده کوهستانی، ۴ گردان کماندویی، ۱ گردان مکانیزه، ۱ گردان تانک، ۱ گردان موشک ضد تانک و ۳ گردان توپخانه. (۲).

عملیات والفجر ۳ در ۷ مرداد ۹ (۱۳۶۲) روز پس از عملیات والفجر ۲ (۳) آغاز شد. در محور فتح ۱، ارتفاع نمه کلان بو و تپه های اطراف آن به سرعت تصرف شد. تیپ ۲۱ امام رضا (ع) نیز توانست خیلی سریع نیروهای دشمن را در شرق رودخانه کنجانچم منهدم کند. ارتفاعات زالوآب (کله قندی) که از اهمیت بیشتری برخوردار بود، هدف حمله لشکر ۵ نصر قرار گرفت و بخش هایی از آن تصرف شد، اما قله اصلی آن در دست دشمن باقی ماند. در محور فتح ۲، با آنکه نیروها توانستند در ابتدای حمله موفقیت هایی به دست آورند، اما شکسته نشدن خط در یکی از راه کارها، عملیات الحاق را با مشکل

ص: ۱۵

۱-۷. مأخذ ۴.

۲-۸. شهر مهران هر چند که در دست نیروهای خودی بود ولی این شهر در وضعیتی قرار داشت که قابل تجمع نیروی انسانی نبود و هر زمانی که عراق قصد تصرف آن را داشت می توانست نیروهای خود را از ارتفاعات سرکوب منطقه سرازیر کرده و شهر را تصرف نماید.

۳-۹. مأخذ ۱، ص ۱۲.

مواجه ساخت لذا نیروها کمی عقب تر از هدف تعیین شده خط دفاعی تشکیل دادند.

عدم تصرف قله اصلی ارتفاعات زالوآب و مقاومت عراقی های محاصره شده، دشمن را وادار کرد که تلاش زیادی برای الحاق با این نیروها و شکست کل عملیات انجام دهد اما تمام این تلاش ها ناکام ماند و این در حالی بود که دشمن پس از مواجه شدن با حمله از سمت مهران، فشار خود را بر منطقه عملیات والفجر ۲ کاهش داد و توان زیادی را برای مقابله با عملیات والفجر ۳ به کار گرفت. همچنین حملات نیروی هوایی عراق فشار بیشتری را بر منطقه وارد کرد و چون دفاع ضد هوایی مؤثری در منطقه وجود نداشت حتی خودروها بر روی جاده به وسیله هواپیماهای مجهز به مسلسل هدف قرار می گرفتند. جبهه خودی برای کاهش فشار تصمیم گرفت امید دشمن را از امکان الحاق با قله کله قندی قطع نماید لذا با تصرف ارتفاع مزبور، تثبیت دستاوردهای عملیات تضمین شد و عراق به تلاش های خود پایان داد و بیشتر هدف های عملیات تأمین گردید. (۱).

در وضعیت جدید ارتباط قوای خودی از طریق جاده ایلام - دهلران مجدداً برقرار گردید ولی شهر مهران همچنان در وضعیت سابق باقی ماند. (۲) با آزاد شدن ارتفاعات شمالی منطقه به خصوص ارتفاعات کله قندی، مشکلات نقل و انتقال و پشتیبانی و تدارک پایگاه های موجود در شهر مهران و خط مربوط به آن و همچنین ارتباط مهران - ایلام تا حد زیادی برطرف شد. البته هر چند ارتباط نیروهای خودی در جبهه میانی و جنوبی برقرار شده بود، اما تسلط اطلاعاتی دشمن بر تردهای خودی همچنان وجود داشت. (۳).

ص: ۱۶

۱-۷. مأخذ ۴.

۲-۸. شهر مهران هر چند که در دست نیروهای خودی بود ولی این شهر در وضعیتی قرار داشت که قابل تجمع نیروی انسانی نبود و هر زمانی که عراق قصد تصرف آن را داشت می توانست نیروهای خود را از ارتفاعات سرکوب منطقه سرازیر کرده و شهر را تصرف نماید.

۳-۹. مأخذ ۱، ص ۱۲.

آزاد شدن ۶۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی و ۴۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن.

- آزاد سازی جاده ایلام - مهران - دهلران.

- آزاد سازی ارتفاعات زالو آب و نمه کلان بو.

- آزاد سازی دشت مهران.

- برقراری ارتباط جبهه های میانی و جنوبی از طریق دو جاده ایلام - مهران - دهلران.

خسارات خودی

تجهیزات: انهدام ۱۴ تانک و ۴ توپ از ارتش، و آسیب دیدن ۲۱ دستگاه مهندسی و انهدام ۷۹ تویوتا وانت و ۵ توپ از سپاه.

ضایعات انسانی: ۵۷۴ شهید، ۳۴۶۸ مجروح و ۴۵۳ اسیر و مفقود از سپاه پاسداران. از ضایعات انسانی ارتش اطلاعی در دست نیست.

خسارات دشمن

تجهیزات: انهدام ۱ هواپیما، ۳ هلی کوپتر، ۳ دستگاه مهندسی، ۱۶ خمپاره انداز، ۳۳ خودرو، ۷۵ نفربر و بیش از ۳۰ تانک. به غنیمت گرفته شدن ۱۵ خودرو، ۵ دستگاه مهندسی، ۳۱ خمپاره انداز، ۳ تانک و ۶۳۰ قبضه انواع سلاح های سنگین و سبک.

تلفات انسانی دشمن: بیش از ۵ هزار نیروی دشمن کشته یا زخمی و ۵۰۹ تن اسیر شدند. (۱).

از عملیات والفجر ۳ تا استراتژی دفاع متحرک عراق (به فاصله ۲ سال و اندی)، شهر مهران حالت عادی (غیر عملیاتی) خود را حفظ کرده و تنها تبادل آتش در آن جریان داشت.

ص: ۱۷

پس از تصرف فاو به دست رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸، که به تغییر موازنه سیاسی - نظامی به نفع جمهوری اسلامی منجر شد، ارتش عراق با انتخاب شیوه ای جدید در صدد برآمد از لاک دفاعی بیرون آمده شیوه هجومی اتخاذ کند. قبل از این، پس از عملیات خیبر، دشمن یک بار دیگر چنین شیوه ای را با وسعت بسیار محدودتری در هورالهویزه به کار برده بود اما این بار دفاع فعال عراق از دامنه وسیع تر و ابعاد جدیدتری برخوردار بود.

مهم ترین دلایل رژیم عراق برای اتخاذ چنین شیوه ای عبارت بودند از:

۱- جبران بخشی از شکست سیاسی در فاو.

۲- خارج شدن از انفعال و به دست گرفتن ابتکار عمل.

۳- بازسازی روحی - روانی نظامیان عراقی و حل مشکل افکار عمومی.

۴- تجزیه کردن توان سپاه و ممانعت از اجرای عملیات آینده. (۱).

گذشته از این، آنچه به حرکت اخیر عراق اهمیت می داد، نوعی هم سویی بین تلاش های غرب و عراق برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران و تحمیل صلح اجباری به آن بود.

غرب به دنبال فتح فاو و درهم شکسته شدن دیواره ی دفاعی عراق و صدمات بسیاری که با اجرای عملیات والفجر ۸ بر ارتش عراق وارد شد از پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ احساس خطر کرد، لذا برای جلوگیری از استمرار این وضعیت و گسترش احتمالی پیروزی های ایران، فشارهای جدیدی را دو میدان جنگ و اقتصاد، با هدف به استیصال کشاندن جمهوری اسلامی در دستور کار خود و رژیم عراق قرار داد.

فشارهای همه جانبه دشمن در آن مقطع خاص - که به طور هماهنگ و در ابعاد گوناگون انجام می گرفت - عمدتاً به منظور تحت الشعاع قرار دادن فتح فاو و ممانعت از تداوم برتری موقعیت ایران بود. در این میان رهبری انقلاب در اوج پیروزی های حاصل از

ص: ۱۸

فتح فاو و قبل از تهاجمات زمینی دشمن، اقدام به بسیج همگانی مردم نمود. از آنجا که پیش بینی می شد دشمن در مقابل شکست دهشتناکی که بر او تحمیل شده آرام نخواهد نشست، این اقدام فرماندهی کل قوا که در آن هنگام برای بسیاری از افراد غیر منتظره بود در واقع مقدمات پیشگیری های لازم را فراهم ساخت. لذا هنگامی که ارتش عراق سلسله عملیات دفاع متحرک را آغاز کرد آمادگی های قبلی اعم از حضور نیروهای مردمی و تهیه امکانات، نقشی مؤثر در وارد ساختن ضربات اساسی بر پیکر ارتش و رژیم عراق داشت. (۱).

ارتش عراق در جریان اجرای سلسله عملیات موسوم به استراتژی دفاع متحرک، در مدتی کوتاه مناطق زیر را هدف تهاجم و تعرض قرار داد:

۱- منطقه عملیاتی والفجر ۹ - در تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴

۲- ارتفاعات در بندیکان - در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵

۳- ارتفاعات سومار - در تاریخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵

۴- ارتفاعات منطقه لولان - در تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۶۵

۵- منطقه فکه (پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه) - در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵

۶- ارتفاعات حاج عمران - در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵

۷- مهران - در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ (۲).

در آخرین مرحله از این سلسله تهاجمات، عراق در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ در منطقه مهران دست به حمله زد و این شهر و حومه آن و برخی ارتفاعات منطقه را تصرف نمود. در این زمان لشکر ۸۴ خرم آباد (ارتش) و تیپ ۴ لشکر ۲۱ حمزه (ارتش) با ۶ گردان پیاده و ۲ گردان زرهی، پدافند این منطقه را به عهده داشتند. (۳).

در ساعت ۱ بامداد ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ دشمن هجوم خود را با اجرای آتش تهیه سنگین از ۲ محور آغاز کرد. در محور اول با تیپ های ۴۱۷ پیاده و ۷۰ زرهی در حالی که تیپ ۴۴۳ پیاده را به عنوان احتیاط در اختیار داشت، از سمت ارتفاعات قلاویزان در شیار میگ سوخته - محل خاکریز خودی - وارد عمل شد و پس از تصرف خاکریز، از محور

ص: ۱۹

۱-۱۲. درودیان محمد، خرمشهر تا فاو، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ هفتم: ۱۳۸۱، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲-۱۳. مأخذ ۱۰، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

۳-۱۴. مأخذ ۱، ص ۱۳.

بهین بهروزان به حرکت خود ادامه داد و از جاده مهران - هرمز آباد به سمت دهلران و سپس شهرک ملک شاهی و جاده آسفالته کمربندی، مهران را تصرف کرد.

در محور دوم از منطقه نمه کلان بو و ارتفاعات ۲۷۰ با هدف تصرف مهران و ارتفاعات نمه کلان بو، کله قندی، تنگه کنجانچم و جاده آسفالته مهران - ایلام با تیپ ۹۲ پیاده و تیپ ۶۰۶ پیاده و تیپ ۵۹ مختلط حمله را آغاز کرد و به دلیل عدم مقاومت نیروهای پدافند خودی به سرعت پیشروی نمود. در این محور پس از تصرف خط خودی، با تیپ ۵۹ مختلط به سمت تنگه کنجانچم حرکت کرد. از سوی دیگر تپه های رضاآباد و دراجی را اشغال نمود و در ادامه ی عملیات ارتفاعات ۳۳۰، ۳۰۷، ۳۱۰ و تپه های غلامی و باغ کشاورزی را تصرف کرد.

پس از شروع تک دشمن، سپاه به منظور جلوگیری از سقوط نقاط استراتژیک منطقه خصوصا ارتفاعات نمه کلان بو و زالو آب یگان های (تیپ مسلم بن عقیل، تیپ ۱۱ امیرالمومنین (ع) و لشکر ۵ نصر) را به سرعت وارد منطقه کرد و در تاریخ ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۵ در منطقه نمه کلان بو با دشمن درگیر شد.

پس از چند روز نبرد، سپاه با وارد کردن تیپ ۲۱ امام رضا (ع) و لشکر ۴۱ ثار الله موفق شد در روز ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۵ ارتفاعات ۳۴۵، ۳۱۰، ۳۰۷ و ۳۳۰ و تپه رضاآباد را از مجموع ارتفاعات نمه کلان بو آزاد نماید.

در مجموع دشمن در طول ۱۰ روز جنگ و پیشروی، ۹ تیپ پیاده، زرهی و مکانیزه و یک گردان کماندویی را وارد عمل کرد و با پشت سر گذاشتن شهر مهران و تصرف ارتفاعات قلاویزان و تپه های غلامی و باغ کشاورزی تا پشت جاده کمربندی مهران یعنی بیش از ۲۰ کیلومتری عمق خاک ایران پیشروی نمود و مستقر گردید. (۱) این حمله عراق با اشغال مهران به اوج خود رسید و متوقف شد.

مهم ترین عوامل موفقیت ارتش عراق در این سلسله تهاجمات عبارت بود از:

ص: ۲۰

۱ - ضعف بودن احتمال تهاجم عراق و حضور نیروهای سپاه در منطقه فاو.

۲ - ضعف خطهای پدافندی خودی به دلیل عدم احتمال حمله ی عراق و آمادگی نداشتن برای مقابله با آن.

۳ - عدم آمادگی نیروهای ارتش و کمبود توان سپاه.

۴ - سازماندهی مناسب و توان و تجهیزات بسیار دشمن (۱۴۱ گردان پیاده به علاوه ۱۴۲ گردان تانک و نفربر که در احتیاط و بازسازی بودند).

۵ - داشتن منابع اطلاعاتی مناسب از جمله: ماهواره ها، آواکس ها، شبکه های جاسوسی، منافقین و نیروهای نفوذی در نیروهای مسلح به عنوان منابع داخلی و خارجی که اطلاعات نسبتاً دقیقی در اختیار ارتش عراق گذاشتند.

۶ - ضعف نیروهای خودی مستقر در خطهای پدافندی ارتش. (۱).

در چنین اوضاعی مسئولان سپاه تصمیم گرفتند ضمن تسریع در تحکیم مواضع پدافندی جبهه فاو، اقداماتی را نیز برای متوقف ساختن حملات دشمن انجام دهند. حمله به دشمن، اولویت بندی مناطق پدافندی و تعیین احتیاط برای مناطق مهم از اولین پیشنهادها بود. بیشتر فرماندهان معتقد بودند بهترین پدافند، آفند است زیرا در آفند تلفات کمتر خواهد بود. مهم تر از این، قبول انفعال، خطرات بسیاری را برای جنگ در پی داشت. (۲).

علاوه بر این، اقدامات دیگری نیز مورد توجه بود:

۱ - اعزام چند تن از فرماندهان برای شناسایی و بررسی چگونگی مواضع اشغال شده.

۲ - آزاد سازی برخی یگان ها از منطقه فاو.

۳ - استقرار سپاه در مناطق حساس پدافندی.

۴ - طرح تشکیل گردان های مستقل پدافندی قائم.

۵ - تدبیر مناسب برای برطرف کردن ضعف ها و کمبودهای اطلاعاتی.

۶ - ارزیابی صحیح از توان دشمن.

ص: ۲۱

۱-۱۶. نخعی هادی، جنگ در سال ۶۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۸.

۲-۱۷. مأخذ ۱۴، ص ۶۰ تا ۶۷، تلخیص.

۷- انهدام دشمن و متوقف کردن آن.

۸- حمله به مناطق مهم اشغال شده. (۱).

در این حال تدابیر مختلفی شد اما دست زدن به اقدام اساسی و تعیین کننده مقدور نبود و به تحقق شرایط خاصی نیاز داشت. به ویژه این مسئله، عقب ماندگی توان رزمی خودی را در مقابل دشمن نشان می داد که اکنون ظهور کرده بود و فرماندهان سپاه سعی داشتند با حفظ فاو، ضمن حضور (یک یگان) در چند خط پدافندی، به مقابله با تحرک جدید عراق نیز پردازند در حالی که توان لازم برای این مأموریت های مهم و سرنوشت ساز وجود نداشت. اما غیرت دینی و انقلابی رزمندگان و فرماندهان مانع از تسلیم شدن در مقابل واقعیت ها بود. از این رو با اوج گیری این تهاجمات دشمن در اردیبهشت ۱۳۶۵، حداکثر اقدامات خودی ضرورتاً به مقابله با دشمن و متوقف کردن پیشروی آن محدود شد.

هجوم دشمن به مهران نقطه اوج استراتژی دفاع متحرک عراق بود و عراق با موفقیتی که در این مرحله به دست آورد جرأت یافت اتخاذ استراتژی جدیدی موسوم به «دفاع متحرک» را اعلام کند. رژیم عراق در تبلیغات خود اعلام می کرد که تنها در مقابل عقب نشینی قوای ایران از مناطق عراق، به ویژه فاو، مهران را پس خواهد داد! (۲).

در طول مدت اجرای استراتژی دفاع متحرک عراق، ده ها هزار تن از نیروهای دشمن کشته یا زخمی یا اسیر شدند و ارتش عراق چندین هواپیما، ۲۷ هلی کوپتر و ۱۷۰ تانک و نفربر را از دست داد.

به طور کلی می توان چنین نتیجه گرفت که به رغم خساراتی که طی این سلسله تهاجمات به نیروهای خودی وارد شد، هم در یک عملیات تاکتیکی و هم در رویارویی با استراتژی کلی دشمن مبنی بر پدافند متحرک، رزمندگان اسلام موفق بودند و عملاً دشمن را زمین گیر کردند، به گونه ای که دشمن، به دلیل تلفات وارده و نیز امکان از دست دادن توان لازم جهت رویارویی با عملیات نیروهای خودی در دیگر مناطق عملیاتی، این تهاجمات را متوقف کرد. (۳).

ص: ۲۲

۱- ۱۸. مأخذ ۱۴، ص ۶۸.

۲- ۱۹. مأخذ ۹، ص ۲۱۴.

۳- ۲۰. مأخذ ۱۰، ص ۲۵۲.

ضرورت اجرای عملیات

پس از اشغال مهران برخی شواهد نشان دهنده این بود که دشمن از حملات زمینی خود دست برداشته و همچنان در محورهایی خود را آماده تک می نماید و احتمال داده می شد در صورتی که نیروهای خودی به دشمن مجال بدهند، قصر شیرین و سپس سومار نیز مانند مهران به تصرف عراق در خواهد آمد. در این صورت علاوه بر اینکه برخی از نقاط استراتژیک و شهرهای مرزی را از دست می دادیم، در روحیه نیروهای خودی اثر سوء می گذاشت و برای کشور نیز تبعات سیاسی نامناسبی داشت. همین ضرورت های سیاسی و نظامی برای اجرای عملیات بود که حتی امام خمینی مکرراً درباره مهران سؤال می کردند به طوری که دو بار به مسئولان جنگ فرمودند: «پس مهران چه شد؟» (۱).

اهداف عملیات

باز پس گیری شهر مهران و سلسله ارتفاعات قلاویزان و دستیابی به مرز و تأمین کل منطقه. (۲).

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی از جنوب به ارتفاعات قلاویزان، از شمال به ارتفاعات نمه کلان کوچک، از غرب به امتداد غربی ارتفاعات قلاویزان و پاسگاه مرزی بهرام آباد و از شرق به جاده مهران - دهلران محدود می شد.

پس از اشغال مهران، دشمن استحکامات و موانع متعددی در این منطقه ایجاد کرد. در محور شمالی (جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی)

ص: ۲۳

۱- ۲۱. مأخذ ۱، ص ۱۹.

۲- ۲۲. مأخذ ۵، ص ۱۰۵.

موانع دشمن دارای هفت ردیف مین همراه با کانال و بیش از پنج ردیف سیم خاردار رشته ای بود. در محور میانی (حد فاصل رودخانه گاو و جاده دهلران - مهران) به دلیل کوهستانی بودن منطقه، استحکامات نسبتاً ضعیف بود. دشمن در محور جنوبی (ارتفاعات قلاویزان) نیز سنگرهای کمین و در بعضی شیارها یک ردیف سیم خاردار و مین ایجاد کرد. (۱).

اقدامات عملی برای اجرای عملیات

شناسایی

عناصر اطلاعات عملیات قرارگاه نجف با هماهنگی واحد اطلاعات یگان های عمل کننده، کار شناسایی را در سرتاسر خطوط دشمن آغاز نمودند. اطلاعات به دست آمده نشان می داد که در مجموع خطوط دشمن در ۳ محور: محور شمالی (جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی)، محور وسط (حد فاصل رودخانه گاو و جاده دهلران - مهران) و در محور جنوبی (مجموعه ارتفاعات قلاویزان) از ۳ نوع مختلف استحکامات و موانع برخوردار است. در محور شمالی به دلیل استحکامات قوی و موانع متعدد، ادامه شناسایی متوقف گردید. دو محور میانی و جنوبی استحکامات ضعیف تر و موانع کمتری داشت. در مجموع واحدهای شناسایی، اطلاعات نسبتاً خوبی از خطوط دشمن به دست آوردند و شناسایی از اوضاع عمق نیروهای دشمن را نیز عناصر دیده بانی انجام دادند. (۲).

حفاظت، فریب و غافلگیری

پس از تصرف مهران به دست دشمن، سپاه دوم نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موسوم به قرارگاه نجف اشرف وارد منطقه شد و اقدامات عملی به منظور متوقف کردن قوای دشمن و برنامه ریزی برای آزاد سازی مهران را شروع کرد.

پس از متوقف کردن پیشروی عراقی ها در ۳ تا ۵ کیلومتری جاده

ص: ۲۴

۱- ۲۳. مأخذ ۵، ص ۱۰۵.

۲- ۲۴. مأخذ ۱، ص ۲۰ و ۲۱.

کمربندی مهران، نیروی زمینی سپاه برای پر کردن فاصله خط خودی با دشمن و آماده کردن زمینه اجرای عملیات، به قرارگاه نجف اشرف و یگان های تابعه ابلاغ کرد تا خاکریز خط مقدم خود را به طرف دشمن نزدیک کنند.

در مورخ ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۵ با پیگیری های جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه (رحیم صفوی) اولین اقدام مؤثر برای احداث خاکریز نیروهای خودی بدون هیچ گونه درگیری با نیروهای عراق، به وسیله لشکرهای ۲۷، ۲۵ و ۴۱ سپاه انجام گردید. احداث خاکریز مزبور به طور پراکنده و نامنظم در شب های متوالی ادامه یافت به طوری که بعضی از خاکریزها تا پشت سنگر کمین دشمن رسیده بود. (۱).

طرح احداث خاکریز که تا شب های قبل از عملیات به طول انجامید، یکی از عوامل فریب دشمن بود. عامل دیگری که باعث فریب دشمن شد، مسئله عکس العمل نیروهای خودی در برابر تحرکات و جابه جایی های دشمن در محورهای مختلف بود به طوری که در زمان احتمال آمادگی دشمن برای اجرای تک، نیروهای خودی به منظور تقویت آن مناطق و فریب دشمن، تردها و مکالمات کاذبی انجام دادند. از جمله مناطقی که در این باره با تأکید بسیار کار شد، محورهای فاو، سومار و قصر شیرین بود.

پس از آماده شدن زمینه اجرای عملیات در مهران، به نیروهای خودی در محورهای یاد شده تأکید گردید که با چراغ روشن به طرف خطوط مقدم ستون کشی کنند و مکالمات بی سیمی را افزایش دهند. این طرح فریب نتیجه مناسبی داد که از جمله دلایل آن بمباران پادگان ابوذر در سر پل ذهاب و شادگان بود.

اسیران عراقی درباره غافل گیر شدن خود در این عملیات گفتند:

ص: ۲۵

۱- ۲۵. در یک مورد نیز لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) به قدری خاکریز را به دشمن نزدیک کرده بود که با روشن شدن هوا نیروهای خودی ۱۱ تن از نیروهای سنگر کمین دشمن را در یک درگیری کوتاه به اسارت درآوردند.

«- ما اصلا آمادگی نداشتیم که شما حمله کنید.

- ما می دانستیم که شما به مهران حمله می کنید ولی نه به این زودی.

- وقتی شما حمله کردید ما فکر کردیم ایدایی است.»

البته تا قبل از عملیات به دلیل وضعیت خاص زمین و دشمن، تصورات گوناگونی درباره امکان رعایت حفاظت در این منطقه وجود داشت که دلیل اصلی آن تسلط دشمن بر ارتفاعات سرکوب منطقه و در دید قرار داشتن عقبه های خودی بود. از سوی دیگر به طور محسوسی اخبار مربوط به عملیات در مهران پراکنده شده بود و به دلیل ضعف حفاظت، احتمال فاش شدن تک خودی زیاد بود. اما این وضعیت به دلیل وجود زمینه های غافل گیری و انجام طرح های فریب و مسدود بودن برخی کانال های اطلاعاتی، ضایعه ای برای عملیات ایجاد نکرد. (۱).

طراحی عملیات

مباحث و سیر طرح مانور

شاید بتوان گفت مانور عملیات کربلای ۱ با توجه به محدودیت زمان در طراحی و تصمیم گیری و وضعیت خاص منطقه در طول جنگ از بهترین و موفق ترین مانورها بوده است. (۲).

پس از ساعت ها بحث و گفت و گو درباره طرح مانور و راه کارهای حمله به مواضع دشمن، سرانجام دو محور برای عملیات در نظر گرفته شد: ۱- جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی ۲ - جاده دهلران - مهران و ارتفاعات قلاویزان به طرف شهر و غرب قلاویزان.

اجرای این طرح عملیات به بیش از ۳۰ گردان نیروی رزمی نیاز داشت اما این توان آماده نبود. از سوی دیگر به تعویق انداختن عملیات، ضایعات دیگری در پی داشت لذا طرح مانور بر اساس ۳۰ گردان مورد توجه فرماندهان سپاه قرار گرفت. مدتی بعد در سمینار فرماندهان نظامی سپاه در باختران، مانور عملیات بار دیگر بررسی شد و فرمانده سپاه درباره تعجیل در اجرای عملیات گفت:

ص: ۲۶

۱- ۲۶. مأخذ ۱، ص ۱۹ تا ۲۲، تلخیص.

۲- ۲۷. مأخذ ۱، ص ۲۳.

«امام تأکید دارند قضیه مهرا ن به سرعت حل شود.» (۱).

در نهایت مقرر شد به دلیل کمبود نیرو و وجود استحکامات دشمن، محور باغ کشاورزی حذف و از محور قلاویزان و یال های آن تا رودخانه گاوی تلاش قوی تر انجام شود. (۲) سه مرحله برای تحقق اهداف عملیات در نظر گرفته شد: مرحله اول، تأمین ارتفاعات قلاویزان تا روستای امام زاده سید حسن به عنوان مهم ترین فلش حمله که مورد تأکید فرماندهی کل بود. مرحله دوم، تأمین انتهای جبل حمرین تا شیار میگ سوخته و در امتداد آن تأمین روستای بهین بهروزان و هرمزآباد. مرحله سوم تصرف خاکریز والفجر ۳ که از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلاویزان امتداد داشت. (۳).

سازمان رزم

نیروی زمینی سپاه به عنوان فرماندهی عملیات در منطقه حضور داشت و قرارگاه نجف با شش لشکر، سه تیپ و یک گردان مستقل زرهی مأمور به آزادسازی شهر مهرا ن بود.

یگان های قرارگاه نجف عبارت بودند از:

لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۷ گد پیاده ۱ گد زرهی و ۱ گد ادوات

لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع)، ۳ گد پیاده، ۱ گد زرهی و ۱ گد ادوات

لشکر ۴۱ ثارالله (ع)، ۶ گد پیاده و ۱ گد ادوات

لشکر ۲۵ کربلا، ۴ گد پیاده ۱ گد زرهی و ۱ گد ادوات

لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)، ۳ گد پیاده، ۱ گد زرهی و ۱ گد ادوات

لشکر ۵ نصر، ۳ گد پیاده و ۱ گد ادوات

تیپ ۲۱ امام رضا (ع)، ۴ گد پیاده و ۱ گد ادوات

تیپ ۱۵ امام حسن (ع)، ۲ گد پیاده و ۱ گد ادوات

تیپ ۶۶۲ بیت المقدس، ۲ گد پیاده و ۱ گد ادوات

گردان مستقل ۳۸ زرهی ذوالفقار

در مجموع سپاه با ۳۴ گردان پیاده، ۹ گروهان ادوات و ۴ گردان زرهی، عملیات کربلای ۱ را آغاز کرد. (۴).

پشتیبانی آتش این عملیات را گروه ۶۳ توپخانه خاتم و گردان

١- ٢٨. مأخذ ١، ص ٣٣.

٢- ٢٩. مأخذ ١، ص ٢٤.

٣- ٣٠. مأخذ ١، ص ٢٥.

٤- ٣١. مأخذ ١، ص ٢٦.

ادوات قرارگاه نجف از نیروی زمینی سپاه و ۳ گردان توپخانه از نیروی زمینی ارتش به عهده داشتند. تیپ ۴۵ مهندسی جواد الائمه (ع) و لشکر مهندسی ۴۳ امام علی (ع) و جهاد ستاد نجف (که واحدهای مهندسی جهاد تهران، فارس و... را تحت امر داشت) نیز تلاش های مهندسی را عهده دار بودند. همچنین نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با تعهد روزی ۱۰ سورتی پرواز به منظور بمباران مواضع دشمن و هوا نیروز ارتش با ۲ تیم آتش و تخلیه مجروح، پشتیبانی هوایی عملیات را به عهده داشتند. علاوه بر این، تیپ ۴ لشکر ۲۱ حمزه که در خط پدافندی باغ کشاورزی مستقر بود موظف به اجرای آتش مستقیم و تظاهر به تک شد. (۱).

وضعیت دشمن

عراق پس از تصرف مهران، یگان های بیشتری در منطقه مستقر کرد. شهر مهران و اطراف آن تحت مسئولیت لشکر ۱۷ زرهی از سپاه دوم عراق بود که با تیپ های ۷۰۵، ۴۴۳ و ۴۲۵ پیاده از آن دفاع می کرد. علاوه بر این تیپ های ۷۰ زرهی، ۵۹ مختلط و ۵۰۱ پیاده در احتیاط نزدیک و تیپ ۱ کماندویی کمی عقب تر در احتیاط قرار داشتند. در مجموع، دشمن تا قبل از عملیات کربلای ۱ دارای ۴۲ گردان پیاده و ۶ گردان زرهی در این منطقه بود. (۲).

ص: ۲۸

۱- ۳۲. مأخذ ۱، ص ۳۰.

۲- ۳۳. مأخذ ۱، ص ۲۸.

۲۴ ساعت قبل از شروع عملیات ۲ گردان از لشکر علی بن ابی طالب (ع) برای دور زدن ارتفاعات قلاویزان حرکت کردند. هم زمان با حرکت این نیروها، طوفان نسبتاً شدیدی همراه با گرد و غبار سطح منطقه عملیات و عقبه های خودی را پوشاند و دقیقاً این وضعیت در زمانی بود که یگان های خودی مشغول انتقال نیرو و امکانات به منطقه بودند.

از غروب روز دوشنبه ۹ / ۴ / ۱۳۶۵ نیروها از خط خودی به طرف دشمن حرکت کردند، حدود یک ساعت مانده به زمان شروع عملیات، نیروهای دشمن که به دلیل تردد روزانه رزمندگان حساس شده بودند، به طور گسترده ای اقدام به پرتاب گلوله های منور و شلیک سراسری تیربار نمودند. در این وضعیت نیروهای خودی که در حال نزدیک شدن به دشمن و بعضاً در حال باز کردن معابر بودند، تصور کردند عملیات لو رفته و دشمن هوشیار شده است. قرارگاه نجف را سکوت فرا گرفت اما ساعتی بعد (قبل از شروع عملیات) مشخص گردید که آتش دشمن تنها به دلیل احساسی کاذب بوده است، نه اطلاع از عملیات رزمندگان. سرانجام حدود ساعت ۲۲:۳۰ دوشنبه ۹ / ۴ / ۱۳۶۵ عملیات با رمز یا ابوالفضل العباس ادرکنی آغاز شد.

با اعلام رمز عملیات، رزمندگان به قوای دشمن حمله کردند و در بیشتر محورها خطوط دشمن را شکستند و به داخل مواضع آنها نفوذ کردند. اما در محور لشکر ۲۵ کربلا- در ارتفاعات قلاویزان به دلیل وجود جاده ای در ارتفاعات و استحکامات و موانع بسیار که موجب تسلط دشمن بر این جاده شده بود، پیشروی با کندی روبه رو شد طوری که فرمانده گردان خط شکن لشکر ۲۵ کربلا- اعلام کرد امکان پیشروی در این محور وجود ندارد، اما پس از یک ساعت درگیری و حرکت خودروها، دستگاه های مهندسی و ادوات زرهی به صورت

ستونی با چراغ روشن به طرف خط، نیروهای دشمن متزلزل شدند و بدون مقاومت قابل توجه، عقب نشینی کردند که در پی آن نیروهای پیاده به پیشروی ادامه دادند.

از سوی دیگر، هم زمان با شروع عملیات، تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه ارتش با نیروهایی از تیپ ۱۱۴ امیرالمومنین (ع) سپاه در محور باغ کشاورزی تظاهر به تک کردند و با اجرای آتش توپخانه و تیر مستقیم، دشمن را به خود مشغول نمودند.

در محور لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) نیز نیروها در حالی به بالای ارتفاعات رسیدند و به دشمن مسلط شدند که دشمن متوجه حرکت آنها نشده بود و این یگان هم زمان با سایر محورها درگیری را آغاز کرد. حمله رزمندگان لشکر ۱۷ به قدری برای نیروهای عراقی غافل گیر کننده بود که بسیاری از آنها برای فرار از محاصره، خود را به پایین ارتفاعات می انداختند و بعضا به طرف خط خودی فرار نمودند.

در مجموع با توجه به وضعیت دشمن هنگام شکسته شدن خط و نفوذ سریع نیروهای خودی در مواضع آنها، به نظر می رسد دشمن غافل گیر شده بود.

تلاش نیروهای لشکر ۲۵ کربلا با توجه به مانور احاطه ای که روی جاده واقع بر ارتفاعات انجام دادند، تلفات بسیار سنگینی بر دشمن وارد کرد و آنها تا صبح توانستند به اهداف مورد نظر دست یابند و یک قرارگاه فرماندهی تیپ دشمن را تصرف نمایند.

لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) پس از دور زدن ارتفاعات قلاویزان، با توجه به موفقیت لشکر ۲۵ کربلا، یک گردان نیروی دیگر را وارد عمل کرد، این یگان تا صبح محدوده مأموریت خود را تصرف و پاک سازی کرد و تعداد بسیاری از افراد دشمن را اسیر نمود. لشکر ۴۱ ثارالله ضمن تأمین اهداف از پیش تعیین شده خود به طرف ارتفاعات حمزین حرکت کرد و در کنار لشکر ۲۵ کربلا قرار گرفت. لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) ضمن وارد کردن ۴ گردان نیرو، پس از شکستن خط، روستای امام زاده سید حسن را پاک سازی کرد و تپه مهم ۱۷۷ را

تصرف نمود. لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) هم زمان با سایر یگان ها پس از شکستن خط و پاک سازی آن، در کنار لشکر ۲۷ مستقر گردید.

در مجموع یگان های عمل کننده تا قبل از روشنایی صبح اهداف مرحله اول عملیات را کاملاً تصرف کردند و با روشن شدن هوا تا یک سوم از محدوده مرحله دوم عملیات را نیز تأمین نمودند.

هر چند ارتش عراق در روز اول عملیات با وارد کردن یگان های احتیاط با قوای خودی درگیر شد، لیکن در این روز هیچ حرکت اساسی و حساب شده ای اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه مشاهده نشد و این وضعیت برای عموم فرماندهان عملیات غیر منتظره بود. مسئول واحد شنود قرارگاه نجف به فرمانده کل سپاه، در این باره گفت:

«به کار نگرفتن نیروی هوایی در ۲۴ ساعت گذشته و وارد نکردن نیروهای احتیاط در عین حال که لشکر ۶ و لشکر گارد به طور طبیعی قرار بوده وارد منطقه شوند، مشکوک به نظر می رسد. شاید دشمن در مناطق دیگر قصد تک به مواضع نیروهای خودی را دارد. به هر حال ما با تأکیدات شما به نیروهایمان در فاو اعلام آماده باش داده ایم و گفته ایم وضعیت دشمن را بررسی نمایند.»

از سوی دیگر، بنا به درخواست قرارگاه از نیروی هوایی ارتش، یک هواپیمای جنگنده ی خودی مواضع دشمن را بمباران کرد، لیکن هنگام برگشت هدف یک موشک دشمن قرار گرفت و در جنوب منطقه عملیاتی مهران، در خاک عراق سقوط کرد. همچنین یک هلی کوپتر کبری که در حال اجرای مأموریت در این منطقه عملیاتی بود بر اثر اصابت گلوله سقوط کرد که خلبانان آن مجروح شدند و به عقب منتقل گردیدند.

در ادامه عملیات مقر تیپ های ۴۴۳ و ۷۰۵ پیاده - که فرمانده یکی از این دو تیپ در کنار خود روی خود کشته شده بود - تصرف شد. این وضعیت حاکی از این بود که قبل از اینکه رزمندگان با نیروهای عمده این دو تیپ درگیر شوند قرارگاه فرماندهی تیپ ها را

منهدم کرده اند لذا عمده قوای این دو تیپ با یک حالت گیجی ضمن جنگ و گریز عقب نشینی کردند.

در مجموع در شب اول عملیات ۸۰٪ از ۱۰ گردان نیروهای پیاده دشمن که در محدوده ی منطقه مرحله ی اول عملیات حضور داشتند، منهدم شدند.

البته با شروع عملیات، تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم عراق از بدره حرکت کرد و در ساعت ۵ صبح به منطقه وارد و در ساعت ۶ صبح با نیروهای خودی درگیر شد که در نتیجه هر ۳ گردان آن منهدم گردید. علاوه بر این، صبح هنگام، نیروهای احتیاط دشمن در محور امام زاده سید حسن دست به پاتک زدند که با مقابله لشکر ۲۷ مواجه شدند و با ورود هلی کوپترهای هوانیروز به صحنه نبرد و انهدام چندین دستگاه تانک عراقی، این پاتک خنثی گردید.

یگان ها با هماهنگی یکدیگر، عملیات را در تمام محورها با قدرت و سرعت و بدون وقفه در طول روز اول ادامه دادند. قرارگاه فرماندهی عملیات تقریباً در موضع انفعال قرار گرفته بود، چرا که دشمن از هم گسیخته شده و یگان ها از موقعیت استفاده کرده بدون توقف به پیشروی ادامه دادند و سپس به قرارگاه پیشنهاد نمودند که عملیات در روز ادامه پیدا کند. از این به بعد یگان ها ابتدا پیشروی می نمودند و هدف را تصرف می کردند و سپس قرارگاه را در جریان وضعیت قرار می دادند. به طور مثال پس از اینکه نیروها تا شیار «میگ سوخته» پیشروی کردند خبر آن را به قرارگاه دادند. (۱) به این ترتیب بود که اهداف مرحله دوم عملیات تا پایان روز اول تأمین گردید.

در شب دوم، اجرای مرحله سوم عملیات آغاز شد. در این شب

ص: ۳۲

۱- ۳۴. به علت سرعت عمل نیروها، پیشرفت عملیات عملاً از دست فرماندهان رده بالا خارج شده بود و با وجود اینکه هدایت عملیات به عهده قرارگاه بود بعضی اوقات فرماندهان قرارگاه تنها نظاره گر پیشرفت عملیات بودند. فرمانده قرارگاه نجف در این باره گفت «عملیات از دست ما خارج شده است و همه چیز دست خداست.» محسن رضایی نیز گفت: «بله امام فرمودند فرمانده کل قوا خداست، الآن واقعا همین طور است.»

لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) به استراحت پرداخت و تیپ ۲۱ امام رضا (ع) با ۳ گردان نیرو در محور لشکر ۱۰ عملیات را شروع کرد و پس از پاک سازی هرمزآباد تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کرد. لشکر ۴۱ ثارالله نیز همراه با لشکر ۲۵ کربلا از شیار میگ سوخته (بعد از جبل حمرین در امتداد مرز) عبور کردند و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) روستای بهین بهروزان را پاک سازی نمود.

در نهایت کلیه یگان های عمل کننده ضمن پیشروی در باقی مانده محدوده مرحله دوم عملیات، تا قبل از روشنایی صبح خط سراسری از هرمزآباد تا شیار میگ سوخته و مقداری از محدوده مرحله سوم عملیات را تأمین کردند.

در شب دوم خبرهای مختلفی از عقب نشینی دشمن در محورهای باغ کشاورزی و تپه های غلامی و پاسگاه دراجی می رسید که قرارگاه با ناباوری با این خبر می کرد. صبح روز عملیات مشخص شد که اکثر نیروهای دشمن در محورهای فوق عقب نشینی کرده اند و سرعت عقب نشینی چنان بوده که بسیاری از وسایل زرهی آنها از روی جاده آسفالت به پایین افتاده و واژگون شده است.

آزاد سازی شهر مهران (۱۱ / ۴ / ۱۳۶۵)

با روشن شدن هوا، در روز دوم نیروها با روحیه ای تهاجمی ضمن تقویت خود به سمت دشمن حرکت کردند. در محور باغ کشاورزی، دشمن سازمان رزم خود را از دست داده و در حال عقب نشینی بود. در این محور نیروهای اطلاعات قرارگاه نجف به سرعت به باز کردن معابر مین مشغول شدند. سپس با کمک تعدادی از نیروهای ارتش با سوار شدن در نفربر، بدون درگیری مهمی وارد باغ کشاورزی شدند و از نیروهای پراکنده دشمن حدود ۱۰۰ اسیر گرفتند.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) نیز از طریق روستای هرمزآباد از پشت به طرف باغ کشاورزی حرکت کرد و ضمن جنگ و گریز با نیروهای در حال فرار دشمن، بسیاری از آنها را به اسارت درآورد.

علاوه بر این، تیپ ۲۱ امام رضا (ع) که در شب گذشته تا پشت دیوارهای شهر مهران پیشروی کرده بود، با روشن شدن هوا از محور شهر را دور زد و به طرف روستای فرخ آباد و روستای رستم آباد رفت و ضمن پاک سازی و تصرف آنها در غرب مهران الحاق نمود. سپس اقدام به احداث خاکریز کرد و شهر مهران بدون هیچ گونه درگیری به محاصره نیروهای خودی درآمد.

نیروهای تیپ امام رضا (ع) نزدیک ظهر از چند محور وارد شهر شدند و دشمن که قبلاً عمده قوای خود را از شهر تخلیه کرده بود (۱) با ورود نیروهای خودی ضمن جنگ مختصری تسلیم شد و شهر مهران تا غروب همین روز کاملاً پاک سازی گردید. همچنین نیروهای عراقی از محورهای باغ کشاورزی و تپه های غلامی و پاسگاه دراجی کاملاً عقب نشینی کردند و این مناطق هم زمان با مهران به تصرف نیروهای خودی درآمد.

در محور لشکر ۴۱ ثارالله نیروهای خودی هنگام پیشروی به سمت ارتفاعات قلاویزان عراق، نیروهای دشمن را در چند نقطه دور زده و محاصره کردند. (۲) از سوی دیگر مرکز شنود اعلام کرد نیروهای فراری عراقی گفته اند که نیروهای ایرانی قصد دارند به طرف شهر بدره و زرباطیه پیشروی کنند. متعاقب آن دو گردان مهندسی دشمن مأمور

ص: ۳۴

۱-۳۵. دشمن در تخلیه شهر هیچ گونه امکانات و تجهیزاتی حتی سلاح سبک بر جای نگذاشته بود. در سنگرهایی که به نظر می رسید مقر فرماندهی دشمن بوده ۳ جسد عراقی به صورت دست بسته مشاهده گردید. به نظر می رسد این ۳ تن در جریان عملیات نیروهای خودی تخلف کرده اند و سپس به دست فرماندهانشان تیرباران شده بودند.

۲-۳۶. در این اوضاع فرمانده لشکر ثارالله برای بررسی آخرین وضعیت نیروهای خود و هدایت آنها به سمت هدف، به منطقه رفته بود. وی وارد یکی از مناطق محاصره شده می شود و قبل از اینکه متوجه موضوع شود با عده ای حدود ۶۰ نفر که در نقطه ای تجمع کرده بودند مواجه می گردد و با تصور اینکه اینها بسیجی هستند به طرف آنها می رود. در فاصله ۱۰ متری متوجه هیكل های بلند و لباس سبز آنها می شود. نیروهای عراقی هم که متوجه برادر سلیمانی شده بودند فریاد می زنند: «قف، قف». وی از مقابل آنها فرار می کند که آنها به طرف وی تیراندازی می کنند. سرانجام فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بدون هیچ برخوردی از آن محل دور می شود و بعد نیروهایی را با یک دستگاه نفربر به آن منطقه می فرستد که آنها کلیه افراد دشمن را به اسارت در می آورند.

احداث خاکریز برای دفاع از شهر زرباطیه شدند و یک تیپ نیز مأموریت دفاع از این شهر را به عهده گرفت.

ظهور روز دوم، در قرارگاه ادامه ی عملیات طرحریزی شد که بر مبنای این طرح نیروهای خودی در شب سوم باید برای تأمین ارتفاعات قلاویزان عراق (قله ۲۱۵ و یال های آن) آماده عملیات می شدند. اما لشکر ۵ نصر که به طرف ارتفاعات ۲۱۵ و لشکر ۴۱ ثارالله که به طرف یال های آن پیش می رفتند به دلیل روحیه بالای نیروهای خودی و از هم گسیختگی دشمن، همچنان به پیشروی ادامه داده و طرح مذکور را از بعد از ظهر همین روز آغاز کردند.

به طور خلاصه می توان گفت دشمن در روز دوم به دلیل ضربه مؤثری که در آغاز عملیات متحمل شد همچنان دچار وضعیتی نابسامان بود و حتی نیروهای احتیاطی که وارد منطقه می کرد قادر نبودند محور اصلی عملیات را تشخیص دهند و پاتک مؤثری علیه نیروهای خودی اجرا نمایند.

استیصال در جبهه دشمن به گونه ای بود که نیروی هوایی عراق تنها به بمباران های پراکنده و محدود اکتفا می کرد و توپخانه و زرهی آن نیز به جز تحرکات ضعیفی قادر به فعالیت دیگری نبود. همچنین در روز دوم عملیات تیپ ۶۶ نیروی مخصوص وارد منطقه شد و در مقابل مهران مستقر گردید. این تیپ که احتمالاً برای تأمین مهران یا قلاویزان در تردید به سر می برد، تأمین ارتفاعات قلاویزان را به شهر مهران ترجیح داد و برای جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت قلاویزان رفت.

غافل گیری و فریب در عملیات و سرعت پیشروی نیروهای خودی به حدی موفق و مؤثر بود که دشمن پس از عقب نشینی از خط مقدم خود در شب اول عملیات، در روز دوم عملیات همچنان در گیجی به سر می برد و به صورت جنگ و گریز در حال عقب نشینی بود و از فرماندهان رده بالای دشمن و یگان های مؤثر و قوی برای مقابله با نیروهای خودی اثری دیده نمی شد.

در شب و روز سوم عملیات مطابق طرح قرار بود روستای فیروزآباد و ارتفاعات قلاویزان عراق و ارتفاعات ۲۲۳ آن به صورت یک خط ممتد تأمین گردد، اما نیروهای خودی در ادامه عملیات روز دوم در محور قلاویزان به طرف اهداف فوق پیشروی کردند. لشکرهای ۲۵ کربلا- و ۵ نصر با هماهنگی یکدیگر به طور تلفیقی عمل نموده و به طرف ارتفاعات ۲۲۳ پیشروی کردند و لشکر ثارالله نیز در یال های آن به پیشروی پرداخت. این یگان ها تا قبل از صبح روز سوم به نزدیکی ارتفاعات مزبور رسیدند. همچنین لشکر حضرت رسول (ص) در قسمت یال ارتفاعات قلاویزان به سمت غرب و تیپ امام حسن (ع) نیز با وارد کردن ۲ گردان نیرو از خسروآباد به سمت فیروزآباد عملیات را ادامه دادند که تیپ امام حسن (ع) قبل از تصرف روستای مذکور متوقف گردید.

خبرهای مختلفی از طریق لشکر ۵ نصر به قرارگاه می رسید مبنی بر اینکه ارتفاعات ۲۲۳ تصرف شده است ولی هیچ کدام به طور قاطع تأیید نگردید و بعد معلوم شد در ۸۰۰ متری آن یعنی قله ۲۱۰ مستقر شده اند.

در طول روز سوم به رغم درگیری رزمندگان با قوای دشمن، محورهای پاسگاه دراجی و باغ کشاورزی و تپه های غلامی کاملاً پاک سازی نشد و دشمن کم و بیش به طور پراکنده در این محورها حضور داشت.

در ادامه ی عملیات تیپ بیت المقدس به استعداد ۲ گردان وارد منطقه شد و تحت امر تیپ ۲۱ امام رضا (ع) در خط پدافندی فرخ آباد مستقر گردید. لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) از محورهای قلعه کهنه و فرخ آباد به طرف تپه های غلامی و باغ کشاورزی و پاسگاه دراجی حرکت کرد و ضمن پاک سازی کامل منطقه، عده بسیاری از نیروهای دشمن را به اسارت درآورد و سپس نیروهای ارتش در پاسگاه دراجی مستقر شدند.

ساعت ۶ صبح روز سوم تیپ های ۴ و ۵ گارد ریاست جمهوری

عراق به ارتفاعات ۲۱۰ پاتک نمودند و پس از یک درگیری سخت آن را تصرف کردند. به همین علت لشکرهای ۲۵ کربلا و ۵ نصر حدود ۲۰۰ متر عقب آمدند. این محور استحکاماتی قوی داشت و نیروهای خودی برای نفوذ در آن تلاش می کردند.

در شب چهارم عملیات نیروهای خودی ضمن تصرف مواضع دشمن در فیروزآباد وارد این روستا شدند و در حالی که دشمن از این منطقه عقب نشینی کرده بود اقدام به احداث یک خاکریز از فیروزآباد به سمت خاکریز قدیمی در فرخ آباد نمودند و سپس خاکریز را از فیروزآباد در مقابل استقرار لشکر حضرت رسول (ص) ادامه دادند و به یال های ارتفاعات قلاویزان رساندند.

در این شب درگیری در اطراف ارتفاعات ۲۲۳ ادامه یافت و نیروهای دشمن که هنوز این ارتفاعات را در تصرف داشتند فشار زیادی را در نقاط مختلف وارد کردند. البته دشمن همچنان در گنجی به سر می برد و هر چند تحرکات هوایی عراق شروع شده بود، ولی ضعیف و در حد شناسایی بود. آتش توپخانه اش نیز چشمگیر نبود. نیروهای تازه نفس دشمن هم تنها توانستند قسمت هایی از ارتفاعات قلاویزان را حفظ کنند.

پاتک شدید دشمن حدود ساعت ۷ صبح ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۵ (روز چهارم عملیات) آغاز شد. تیپ های ۷۲، ۷۱، ۹۵ پیاده و تیپ های ۴ و ۵ گارد ریاست جمهوری ارتش عراق پاتک شدیدی را روی ارتفاعات قلاویزان برای تصرف قله ۲۰۰ شروع کردند. با مقاومت سخت رزمندگان و حملات پی در پی آنان، این پاتک شکست خورد و قوای دشمن متحمل تلفات سنگینی شدند. در جریان این درگیری ها فرمانده تیپ ۴ گارد کشته شد که عراقی ها جسد او را به عقب منتقل کردند.

در ادامه عملیات، لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) قسمت هایی از یال قله ۲۱۰ را تصرف کرد. مرکز شنود نیز گزارش داد که در حمله هواپیماهای خودی به مواضع دشمن، ۲۰ خودرو منهدم و ۴۰ تن کشته و زخمی شدند.

در روز پنجم عملیات (۱۴ / ۴ / ۱۳۶۵) لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) به سمت قله ۲۱۰ تک نمود و این قله را مجدداً به طور کامل تصرف کرد و بیش از ۱۰ اسیر گرفت.

پنجمین مرحله ی عملیات کربلای ۱ در سحرگاه ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۵ با حمله ی هماهنگ لشکرهای ۱۰ و ۲۷ شروع شد. در این حمله لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) مأموریت تصرف قله ۲۲۳ را داشت و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) مأمور تصرف یال های آن بود. تلاش لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در تزلزل دشمن مؤثر بود، طوری که لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) با سرعت به طرف قله ۲۲۳ رفت و با تاکتیک های احاطه ای اهداف خود را تأمین و ضمن آن قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۷ زرهی عراق را تصرف کرد.

سرانجام در مورخ ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۵ لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) باقی مانده یال های ۲۲۳ در غرب این قله را تصرف کرد. در جریان این عملیات قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ دشمن منهدم و تعدادی عناصر آن از جمله فرمانده تیپ به اسارت درآمد. عملیات مزبور در واقع آخرین پیشروی نیروهای خودی در عملیات کربلای ۱ بود و از این پس نیروها به تثبیت و تحکیم مواضع تصرف شده و تقویت خطوط پدافندی موجود پرداختند و این عملیات با پیروزی کامل و با دستیابی به اهداف آن به میزان بیش از ۱۰۰٪ به پایان رسید.

در نهایت نیروهای خودی با تسلط کامل بر قله ۲۲۳ و یال های آن تا ۵ / ۱ کیلومتر از قله مزبور به سمت غرب گسترش یافتند. در شمال این قله ادامه آخرین خط خودی به این شرح بود: امتداد خط از تپه ۱۷۰ به سمت شمال تا مقابل روستای فیروزآباد و از آنجا به طرف یک کیلومتری غرب فرخ آباد و سپس به سمت پاسگاه دراجی دشمن و در نهایت به ارتفاعات نمه کلان بو ختم می شود. (۱).

نتایج عملیات کربلای ۱

اشاره

ده روز جنگ و مقاومت در منطقه مهران به آزاد سازی ۱۷۵ کیلومترمربع

ص: ۳۸

از خاک ایران و عراق، از جمله جاده دهلران - مهران - ایلام، شهر مهران و بیش از ۸ روستای اطراف آن، ارتفاعات حساس و سرکوب قلاویزان و حمزین خصوصا بلندترین قله منطقه (قله ۲۲۳) و ۲ پاسگاه مرزی منجر گردید. همچنین عقبه های دشمن از جمله شهرهای بدره و زرباطیه در دید و تیر نیروهای اسلام قرار گرفت. در این عملیات ۷۰۰ تن از نیروهای خودی شهید و ۴۵۰۰ تن مجروح شدند. (۱).

توان رزمی نیروهای دشمن در عملیات کربلای ۱

نیرو، ۷۰۰۰۰ نفر

تانک و نفربر، ۴۰۰ دستگاه

توپخانه، ۱۵ گردان

نیروی هوایی، بیش از ۱۰۰ سورتی در روز

هوانیروز، بیش از ۱۰ تیم (۲).

تلفات و خسارات دشمن

در این عملیات ۱۰ هزار تن از نیروهای عراقی کشته و زخمی و ۱۲۱۰ تن اسیر شدند. همچنین تعداد ۱۱۰ دستگاه تانک و نفربر و تعداد زیادی ادوات و خودرو منهدم گردید و ۶۹ تانک و نفربر، ۸ دستگاه مهندسی، ۶۱ قبضه ادوات و ۶۴ خودرو به غنیمت گرفته شد. (۳).

یگان های درگیر دشمن در طول عملیات و میزان انهدام آنها

۱ - تیپ ۴۲۵ پیاده و تیپ های ۷۱ و ۷۲ از لشکر ۳۵ هر کدام ۳۰ درصد.

۲ - تیپ های ۵۰۱ و ۹۵ پیاده، ۵۹ مکانیزه، تیپ ۱۰۸ و تیپ ۸۰۴ هر کدام ۴۰ درصد.

۳ - سه گردان توپخانه هر کدام ۵۰ درصد.

۴ - تیپ ۵ گارد ریاست جمهوری و تیپ ۱۱۳ از لشکر ۱۹ هر کدام ۶۰ درصد.

ص: ۳۹

۱- ۳۸. مأخذ ۱، ص ۴۲.

۲- ۳۹. مأخذ ۱، ص ۲۶۲.

۳- ۴۰. محسن رشیدی و حسن دری، کارنامه نبردهای زمینی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳.

۵- تیپ ۷۰ زرهی و تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم هر کدام ۷۰ درصد.

۶- تیپ های ۴۴۳ و ۴۱۷ پیاده ۴ گارد ریاست جمهوری و ۲ گردان کماندویی هر کدام ۸۰ درصد.

۷- تیپ ۷۰۵ پیاده ۹۰ درصد.

۸- تیپ ۶۵ نیروی مخصوص ۱۰۰ درصد. (۱).

حفظ دور تک تا عملیات بزرگ

حملات عراق در چارچوب استراتژی موسوم به دفاع متحرک و مقابله ایران با این حملات، وضعیتی را پدید آورد که فرماندهی و یگان های خودی به ناچار حدود چهارماه وقت خود را صرف آن کردند. در بیشتر سال های قبل در این فصل، جبهه جنگ در حالت رکود به سر می برد، اما اقدام عراق و همچنین عزم فرماندهان بر جلوگیری از رکود جبهه ها و اجرای عملیات های پیاپی و موفق در سرتاسر جبهه های نبرد، وضعیت جدیدی را در بهار و ماه نخست تابستان سال ۱۳۶۵ به وجود آورد. با پایان عملیات کربلای ۱، نزدیک به دو ماه درگیری فروکش کرد و یگان ها توان از دست رفته را باز یافتند و پس از آن دور جدید حملات خود را آغاز کردند. فرماندهی سپاه تا آماده شدن عملیات بزرگ در زمستان ۱۳۶۵، چند عملیات را در دستور کار قرار داد. مهم ترین آن عملیات کربلای ۳ در خلیج فارس بود که در نوع خود بی نظیر و یک اقدام منحصر به فرد به شمار می رفت. تصرف اسکله العمیه در شمال خلیج فارس با تعدادی غواص و چند قایق معمولی، انگیزه و خلاقیت پایان ناپذیر سپاه و بسیج را نشان می داد. پیچیدگی، ظرافت و نیز خطرپذیری این عملیات بسیار زیاد بود (۲).

ص: ۴۰

۱- ۴۱. مأخذ ۱۰، ص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۲- ۴۲. مأخذ ۹، ص ۲۲۱ و ۲۲۲.

آزاد سازی شهر مهران به منزله شکست استراتژی دفاع متحرک عراق بود. شکستی که رژیم عراق در گام اول خود با عدم موفقیت در تأمین اهداف مورد نظرش با آن رویارو شد و سرانجام با از دست دادن مهران، چشم اندازی جدید از ناتوانی و ضعف این کشور در موضع آفند و پدافند ترسیم و نمایان گردید. خبرگزاری فرانسه در پی آزاد سازی شهر مهران، گزارش داد:

«ناظران در خلیج فارس عقیده دارند که اشغال مهران به دست قوای ایران، شکست پذیری رژیم عراق - به ویژه استراتژی نظامی جدید آن موسوم به دفاع متحرک - است.»

در میان مناطقی که در تصرف دشمن قرار گرفت، شهر مهران از اهمیت خاص سیاسی - تبلیغاتی برخوردار بود و برای عراق به عنوان جبران شکست فاو و نیز عامل افزایش دهنده روحیه نیروهای آسیب دیده ارتش عراق تلقی می شد؛ لذا آزاد سازی آن، گذشته از اینکه شکست دشمن در استراتژی تازه خود محسوب می شد، آسیب های عمده دیگری را در آن مقطع و بعد از آن متوجه ارتش عراق کرد. چنانکه وقتی مهران باز پس گرفته شد، رسانه های گروهی جهان به انحاء مختلف به بعد روانی مسئله اشاره کردند. از جمله نشریه فارین ریپورت، چاپ لندن، نوشت:

«مهران به خودی خود فاقد اهمیت است، تهاجم به مهران نه از جهت استراتژیکی، بلکه از نقطه نظر روانی، واجد اهمیت می باشد.»

راديو امريكا نیز به نقل از کارشناسان نظامی، اظهار کرد:

«شکست عراق ممکن است از نظر روانی اثر مهم و شگفت انگیزی داشته باشد؛ چرا که عراقی ها بیشتر به خاطر جبران شرمساری ناشی از تصرف بندر عراقی فاو به دست ایرانی ها دست به حمله زده بودند.» (۱).

همچنین خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از راديو بی.بی.سی.سی گزارش داد:

ص: ۴۱

«برخی از مفسران و ناظران آگاه به مسائل نظامی اعتراف کردند که با آزاد سازی مهران، ایران نشان داد که توانایی پیشروی های محدود را دارد حال آنکه عراق نشان داده است که نمی تواند در مقابل این گونه تهاجمات در خاک ایران ایستادگی کند و در نتیجه یک بار دیگر به پشت مرزهای دفاعی که در نقاط فوق العاده آسیب پذیری در اطراف مرز ساخته، عقب نشینی کرد.» (۱).

گذشته از این درهم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق در فاو و ناتوانی این کشور در باز پس گیری آن، رژیم صدام را نزد غرب و حامیان منطقه ای خود به طور اساسی به زیر سؤال کشید و این واقعیتی بود که حاکمان بغداد مایل به تن در دادن به آن نبودند و به منظور اثبات توانایی و حفظ برتری خود، مبادرت به اتخاذ استراتژی موسوم به دفاع متحرک نمودند. بر این اساس به خوبی روشن است که شکست مهران می تواند چه تبعاتی در بی اعتمادی حامیان و متحدین رژیم بغداد فراهم آورد.

روزنامه نیوزویک چاپ امریکا پس از آزادسازی مهران نوشت:

«باز پس دادن مهران (پس از فاو)، اعتماد مقامات امریکایی را به رژیم عراق به شدت کاهش داد و گفته می شود که امریکا کمک های تسلیحاتی خود را به این رژیم محدود کرده است.»

فتح فاو به دست قوای نظامی ایران، موقعیت و فضای جدید در جنگ به وجود آورد که توأم با واقع نگری از سوی رسانه های جهانی درباره توانایی های بالفعل و بالقوه جمهوری اسلامی و نیز ناتوانی رژیم عراق مبنی بر ادامه جنگ و رویارویی با تهاجمات ایران بود. تثبیت وضعیت یاد شده قطعاً نیازمند پیروزی های دیگری بود که تنها قسمتی از آن با فتح مهران و پس زدن نیروهای دشمن تأمین گردید.

در این باره آنچه که در رسانه های غربی منعکس شد عمدتاً حول محور توانایی و برتری نظامی ایران دور می زد. گذشته از این، حفظ برتری در فاو و انجام عملیات در مهران، نشان دهنده ی نوعی افزایش توان نظامی ایران تلقی شد؛ به طوری رادیو بی.بی.سی به نقل از

ص: ۴۲

۱- ۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ی گزارش های ویژه، شماره ی ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۵، ص ۱۰، به نقل از رادیو بی.بی.سی، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۵.

مفسر بخش شرقی خود گفت:

«اگرچه تسخیر مهران از نظر تعیین نهایی جنگ نقش قاطعی نخواهد داشت اما نیروهای ایران نشان دادند که ضمن حفظ مواضع خود در فاو، در مقابل حمله های پی در پی عراق می توانند نیروهای عراقی را از بخش مرکزی جبهه نیز بیرون برانند و خطر مهمی را در آینده جنگ ترسیم نمایند.» (۱).

در همین زمینه خبرنگار دیگری از رادیو امریکا با مشاهده تحرکات اخیر در ایران در خصوص فراخوان نیرو و نیز اظهارات مقامات تهران، از نقشه های آینده ایران خبر می دهد و می گوید:

«نقشه کلی ایران در حال حاضر این است که کلیه منابع خود را بسیج کند تا از فرصت اخیر خود بهره برداری کند و ایران را به یک پیروزی سریع در جنگ نایل سازد، به ویژه آنکه محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرده که اگر به عراق فرصت داده نشود که پس از شکست های اخیر تجدید قوا کند، ایران می تواند [امیدوار باشد] امسال جنگ را به پیروزی خاتمه بدهد. از سوی دیگر [آیت الله] خامنه ای نیز در خطبه های نماز جمعه تهران اعلام کرد که رژیم تهران از این پس به حملات محدود اکتفا نخواهد کرد و قصد دارد با یک حمله گسترده آخرین ضربه را بر عراق وارد آورد.» (۲).

البته برخی از خبرگزاری ها این موضوع را به دیده تردید می نگریند. تحلیل گران دیگر، دلیل حساسیت خود را به انعکاس اخبار در خصوص احتمال اجرای عملیات گسترده تر از سوی ایران، به خاطر مشاهده نقل و انتقالات و به ویژه افزایش اعزام نیرو می دانستند. این دسته از مفسران معتقد بودند که تمرکز این نیروهای نامتجانس و بی حرکت نگاهداشتن آنان برای مدتی طولانی مقدور نخواهد بود و رژیم تهران ناچار خواهد گردید یا آنان را به عملیات و تحرک وادارد و یا به شهر و روستاهایشان باز گرداند و در مقابل، تردید نمی توان داشت که عملیات گسترده نیروهای ایرانی، اعراب را اعم از موافق

ص: ۴۳

۱- ۴۵. مأخذ ۱۰، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.

۲- ۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ی گزارش های ویژه، شماره ی ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۵، ۱۰۵، ص ۱۰، به نقل از رادیو اسرائیل، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۵.

صدام یا مخالف وی در وضعی غیر عادی و حتی نقطه انفجار قرار خواهد داد... آزاد شدن شهر مهران از دست سربازان عراقی با وجود اهمیتی که می توان بر آن قائل شد برای ایجاد تحولی اساسی و کارساز در جنگ ۶ ساله کافی به نظر نمی آید. اما در عین حال کافی است که نگرانی دلهره آوری را در سران عرب برانگیزد، زیرا این پیروزی محدود می تواند مقدمه ای باشد بر حمله بزرگ که دولتمردان اسلامی تهران مدت ها است از آن سخن می گویند. در این باره خبرنگار روزنامه فایننشال با چاپ نقشه ای از منطقه عملیاتی، گزارش داد:

«نیروهای مسلح ایران، سربازان عراقی را از یک شهر مهم بیرون رانده اند. این شهر یکی از استراتژیک ترین نقاط در جبهه ۷۳۳ مایلی است و برای هرگونه تلاش ایران جهت حرکت به سمت بغداد بهترین گذرگاه است.» (۱).

پیروزی ایران در عملیات کربلای ۱ از ابعاد مختلف مورد توجه مفسران و ناظران آگاه قرار گرفت. مفسر رادیو بی.بی.سی از منظری دیگر به درایت فرماندهان ایرانی در تغییر تاکتیک نظامی اشاره کرد و گفت:

«رهبران نظامی ایران که در گذشته اتکای زیادی به نیروهای پیاده نظام داشتند، از تلفات سنگین این شیوه جنگ ظاهراً درس گرفتند. به گونه ای که استراتژی فعلی آنان بیشتر به تشخیص نقاط ضعف ارتش عراق در امتداد جبهه ها متمرکز شده است. بنابراین اگر ایران در چندین حمله محدود به پیروزی برسد، احتمال در هم کوبیدن خطوط دفاعی عراق محرز است، گرچه معلوم نیست که با کمبود سلاح های سنگین بتواند ابتکار عمل را در این مسئله به دست آورد یا نه؟» (۲).

خبرنگار بی.بی.سی نیز تصریح می کند که تصرف شش هفته قبل مهران به دست ارتش عراق که نشانه تغییر روش این کشور در جنگ بود و امیدوار بود آن را در ازای فاو معامله کند، سودی در بر نداشت.

ص: ۴۴

۱- ۴۷. مأخذ، ۴۰، ص ۱۵.

۲- ۴۸. مأخذ ۳۸.

حتی با وجود حملات متقابل در منطقه فاو نتوانست نیروهای ایرانی را از شبه جزیره فاو بیرون براند. لذا از دست دادن مهران برای دولت عراق شکست دیگری محسوب می شود. (۱).

از سوی دیگر طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق، در اولین واکنش رسمی، بدون اشاره به شکست نیروهای ارتش کشورش در منطقه عملیاتی مهران، خواستار انزوای ایران در محیط بین المللی شد. او از تمام کشورهای جهان خواست رژیم ایران را از خانواده جهانی منزوی کنند و از مجهز کردن تهران به سلاح و تجهیزات نظامی و متخصصان فن خودداری کنند تا بدین وسیله رژیم تهران را برای پایان جنگ و بازگشت صلح به منطقه تسلیم اراده انسانی نمایند. (۲).

اما برخی مفسران این امید عراق را بر باد رفته اعلام نمودند. گزارشگر صدای امریکا در تفسیر خود درباره بازتاب عملیات و تلاش های دیپلماتیک عراق گفت:

«بر سر این شهر تاکنون چندین بار جنگ در گرفته و شهر عملاً منهدم شده است. البته این شهر از نظر استراتژیک اهمیت چندانی ندارد، اما بغداد کوشید با اشغال مجدد آن و از طریق طرف های ثالث تهران را به مبادله مهران با شبه جزیره فاو در جنوب عراق، که ایران آن را در فوریه تصرف کرده بود، تشویق کند، ولی ایران علاقه ای به این کار نشان نداد و اساساً حاضر نیست تا زمانی که دولت صدام حسین بر سر کار است انجام گفت و گوهای صلح را بررسی کند.» (۳).

از طرف دیگر رسانه های کشورهای حوزه خلیج فارس که همواره با موضع گیری های خود به طور همه جانبه از عراق حمایت می کردند این بار نیز ضمن هشدار به دولت ایران، خواستار حل مناقشه از راه مسالمت آمیز شدند. نخست وزیر مصر، علی لطفی، بدون کوچک ترین اشاره ای به پیروزی ایران، خواستار وفاق جمعی برای مقابله با ایران شد. وی بر این عقیده بود که هویت عربی مصر ایجاب می کند که

ص: ۴۵

۱- ۴۹. مأخذ ۴۰، ص ۱۸.

۲- ۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ی گزارش های ویژه، شماره ی ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۵، ص ۵، به نقل از خبرگزاری عراق، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۵.

۳- ۵۱. مأخذ ۴۰، ص ۱۷ و ۱۸، به نقل از رادیو امریکا، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۵.

امکانات کشورش را بسیج نماید و از هیچ کوششی برای تحقق صلح کامل و عادلانه در منطقه عربی دریغ ننماید. قدرت اعراب برای رویارویی با ستیزه جویی هایی که به منطقه تحمیل شده، بیش از هر چیز به میزان هماهنگی و همبستگی کشورهای عربی بستگی دارد. (۱).

رسانه های کویتی از جمله روزنامه السیاسه نیز با ارائه این نکته که جنگ دیوانه وار ایران - عراق، ثروت های ملی ایران و ملت های کشورهای منطقه را به باد داده، خطاب به مقامات سیاسی و نظامی ایران تأکید کردند که:

«ایران باید از این مسئله حتی برای یک لحظه غافل نباشد که دستیابی به یک پیروزی محدود در یک مرحله به معنای پیروزی در کل جنگ نیست.»

السیاسه افزود:

«کشورهای حوزه خلیج کاملاً به این درک رسیده اند که عراق در جلوگیری از اختلال در موازنه ها و مانع شدن از حدوث تغییرات جغرافیایی غیر منتظره و ناگهانی در منطقه، نقش بر عهده دارد.» (۲).

همچنین کارشناسان روسی هم که طی دوره ی طولانی جنگ موضع نسبتاً ثابتی داشتند، این بار هم در واکنش به عملیات رزمندگان بدون آنکه تحلیلی از وضعیت ارتش عراق و یا آثار و پیامدهای عملیات بر دو کشور ارائه دهند، بر فرصت طلبی غرب از جنگ سخن به میان آوردند. در این باره ولادیمیر وینگوادوف از مقامات عالی رتبه شوروی، جنگ ایران و عراق را بی هدف و بی معنی دانست و تأکید کرد:

«این جنگ فرسایشی بهانه لازم را برای مداخله قدرت های خارجی فراهم می کند به گونه ای که امریکا تلاش می کند از آب گل آلود ماهی بگیرد. [شواهد حاکی است] هرگاه جنگی در منطقه رخ داده امریکا بلافاصله سعی می کند از اوضاع به نفع خود استفاده کند و سلطه نظامی خود را بر منطقه تحمیل نماید و در نهایت به استراتژی

ص: ۴۶

۱- ۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ی گزارش های ویژه، شماره ی ۱۱۲، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۵، ص ۳، به نقل از رادیو دبی، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ی گزارش های ویژه، شماره ی ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۵، ۱۱۹، ص ۳.

وی در توجیه دخالت های آشکار شوروی در حمایت از عراق گفت:

«دخالت شوروی در اوضاع منطقه تنها به دعوت کشورهای عرب منطقه که از تهدیدات امریکا وحشت زده شده اند صورت می گیرد و شوروی به این دعوت ها پاسخ مساعد داده چون ما چاره ای جز مقابله با نقشه های امریکا در منطقه نداریم.» (۱).

«لوکوئیدین دوپاری» روزنامه پر تیراژ فرانسوی نیز ضمن اشاره به شکست استراتژی دفاع متحرک در منطقه مهران نوشت:

«تحلیلی در مورد آنچه به راستی در مهران بر سر نیروهای عراقی آمده هنوز خیلی زود است. گویا عراقی ها در این عملیات دست کم بین ۲ تا ۳ هزار کشته داده اند که در میان آنها نام یک ژنرال وجود دارد.»

گزارشگر این روزنامه به نقل از ناظر آگاه نظامی علت پیروزی رزمندگان را، غافلگیری شگفت انگیز عراقی ها می داند و در این باره می نویسد:

«در حالی که نیروهای ایران بر روی تپه های مشجر اطراف شهر مهران پیوسته در حال تقویت بودند، ولی ۶ هزار سرباز عراقی که شهر را به اشغال خود در آوردند، متوجه این امر نشده و مانند همیشه غافلگیر شدند، با این حال نکته شگفت انگیز این است که چرا ارتش عراق در جریان نبردهای مهران از نیروی هوایی به قدر کافی استفاده نکرد. موضوعی که به اعتراف بسیاری از کارشناسان، بزرگ ترین راز بغداد محسوب می شود. گرچه چنین حدس زده می شود که عراق نمی خواهد هواپیماها و یا خلبانان خود را بیش از این از دست بدهد، زیرا برای مأموریت های دیگر به آنها احتیاج دارد. البته یک فرض سیاسی هم مطرح است و آن اینکه کشورهای خلیج فارس که بخشی از هزینه های جنگی عراق را تأمین می کنند احتمالاً به رهبری رژیم عراق توصیه کرده اند که برای احتراز از تشدید و گسترش دامنه ی جنگ، رویه احتیاط آمیزی را پیش بگیرد.»

ص: ۴۷

۱- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ی گزارش های ویژه، شماره ی ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۵، ص ۴ و ۵، به نقل از خبرگزاری کویت در لندن، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۵.

اما به هر حال در یک جمع بندی باید گفت که شکست نیروهای عراقی در فاو و مهران برای رژیم عراق نه تنها از نظر نظامی بلکه از نظر سیاسی و روانی شکست مهمی محسوب می شود. رژیم عراق برای باز پس گیری فاو به نیروهای خود، یک پیروزی سریع و کامل را وعده داده بود و دربار مهران به آنها اطمینان خاطر داده بود که ارتش همچنان در آنجا مقاومت خواهد کرد. لیکن اکنون افکار عمومی عراق و به ویژه ارتش، هنوز نتوانسته است این شکست دوگانه را هضم کند. بدین سبب بیشتر شواهد به دست آمده از بیزاری عمیق مردم از این جنگ طولانی حکایت می کند» (۱).

سرانجام رونالد ریگان، رئیس جمهور امریکا، پس از گذشت ۱۰ روز از پایان عملیات بیش از پیش بر حمایت کشورش از عراق تأکید می کند و در پیامی به صدام حسین از وی می خواهد تا دوشادوش هم در یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ کوشش کنند. ریگان در این پیام که در مطبوعات عراق به نحوه وسیعی انتشار یافت، از جنگ ایران و عراق به عنوان جنگ مزمن یاد کرد و گفت:

«من خوشحالم که پس از مراجعه به سال های گذشته بگویم آرمان مشترک ما، همکاری برای پایان جنگی است که عراق درگیر آن است. ما باید دوشادوش هم کمک کنیم تا صلح و امنیت در منطقه خلیج فارس برقرار شود.» (۲).

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، در رهنمودهای خود بدون توجه به تهدیدهای منطقه ای و بین المللی فرمودند:

«شما ملاحظه کنید الآن قدرت های بزرگی که اتکا دارند به آن سلاح های عجیب و غریب خودشان، در اضطراب دارند زندگی می کنند. گمان نکنید که کاخ سفید یا کرملین الآن آرام نشسته اند و با وضع آرام زندگی می کنند. آنها با اضطراب زندگی می کنند و این اضطراب برای این است که آنها تبع شیطان هستند و شیطان نمی گذارد که طمأنینه پیدا شود در قلب انسان.»

امام خمینی سپس به آثار پیروزی های رزمندگان اشاره و تأکید کردند:

ص: ۴۸

-
- ۱- ۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ی گزارش های ویژه، شماره ی ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۵، ص ۳.
 - ۲- ۵۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵، ص ۳، واحد مرکزی خبر از لندن، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس.

«شما در جبهه ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود. تجهیز زیادتر می کند و شما را به زحمت می اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید. الآن در اضطراب هستند... این پیروزی برای شما هست، خدا وعده کرده است که اگر نصرت کنید خدای تبارک و تعالی را، شما را نصرت می کند، نصرت ها هم که همه دیدید و همه اوقات دیدید که چه نصرت هایی حاصل شده است و حاصل می شود و حاصل خواهد شد. مطمئن باشید، قلب های تان قوی باشد و از هیچ امری نترسید، از هیچ قدرتی نترسید، این قدرت ها قدرت هایی نیستند که بتوانند با اسلام مقابله کنند. ان شاء الله امیدوارم که موفق باشید و ان شاء الله من هم که دعا می کنم به شما و واقعا مفتخرم به این که ما یک وقتی واقع هستیم که یک همچو ملتی داریم و یک همچو سپاهی داریم و یک همچو ارتشی داریم و یک همچو قوای مسلحه ای داریم و یک همچو ملت و اشخاصی داریم و همچو دست اندر کارانی داریم که همه ی آنها ان شاء الله برای خدا عمل می کنند.» (۱).

ص: ۴۹

یکی از حساس ترین و مهم ترین اقدامات آماده سازی که قبل از هر عملیاتی انجام می شود، شناسایی مواضع دشمن و راه کارهای عبور از موانع آن است که نیروهای از جان گذشته اطلاعات و عملیات یگان ها عهده دار آن هستند. هشت سال جنگ تحمیلی خاطرات فراوانی از حماسه سازی های این عزیزان و امدادهای غیبی به همراه دارد. از جمله اتفاقات جالبی که در عملیات کربلای ۱ به وقوع پیوست، ماجرای شناسایی لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) است که به طور خلاصه به آن اشاره می شود.

فعالیت های شناسایی این لشکر را شش تیم شناسایی از تاریخ ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۵ در راه کارهای متعددی از قسمت انتهایی خاکریز ارتفاع ۲۰۷ تا ارتفاعات ۲۶۵ در سلسله ارتفاعات حمزین - که به قلاویزان منتهی می شد - آغاز کردند.

ارتفاعات منطقه روبه روی دشت مهران قرار دارد و پشت آن پرتگاه های بلندی است که امکان بالا رفتن نیروهای پیاده از آن بسیار مشکل و در برخی مکان ها غیر ممکن است. موضوعی که کادر فرماندهی و به خصوص نیروهای اطلاعات و عملیات لشکر ۱۷ را به خود مشغول کرده بود، یافتن راه کارها و معبرهای وصولی مناسب به مواضع عراقی ها بود. در منطقه مأموریت این لشکر وضعیت شناسایی کاملاً متفاوت بود؛ زیرا شیب ارتفاعات و نیز پیچیدگی های زمین در این منطقه عموماً به نفع دشمن است، لذا تیم های شناسایی باید در عمق مواضع عراقی ها در پی کشف معبرهایی باشند تا رزمندگان از طریق آنها دشمن را به زانو در آورند.

برادر فتوحی، معاون فرمانده لشکر ۱۷، درباره سابقه شناسایی ارتفاعات قلاویزان چنین می گوید:

«هنگام عملیات والفجر ۳ در زمان (شهید) زین الدین هم دو بار شناسایی رفتیم. ایشان معتقد بود هر یگانی بخواهد ارتفاعات قلاویزان را بگیرد از مقابل (از سمت دشت مهران) خیلی مشکل است؛ چون عراقی ها موانع بسیار مستحکمی دارند، بعضی جاها عمق موانع به ۳۰۰ متر می رسید. انواع سیم های خاردار حلقوی، فرشی، میادین مین و سایر موانع پیچیده. (شهید)

زین الدین عقیده داشت هر کس بخواهد بر قلاویزان مسلط شود باید بگردد از پشت، از داخل مناطق تیغه ای شکل قلاویزان یکی دو جا را انتخاب کند.»

بر اساس این نگرش، اولین راه کار در ارتفاع ۲۶۵ مورد توجه قرار گرفت. تیم شناسایی این معبر با طی کردن حدود ۳ کیلومتر از پشت نیروهای عراقی، خود را به جاده آبیاری رساند و منطقه را شناسایی کرد.

صرف نظر از موانع موجود در این راه کار (یک ردیف سیم خاردار تک رشته ای، یک ردیف منور، یک ردیف مین و المر، چهار ردیف مین گوجه ای و تعدادی سنگر انفرادی و اجتماعی) مهم ترین مشکل دوری مسیر بود.

راه کار دوم سمت راست ارتفاع ۲۵۴ قرار داشت. تیم شناسایی این معبر چند بار نفوذ کرد که هر بار با حساسیت نیروهای عراقی مواجه شد. دو بار نیز به سوی این تیم تیراندازی شد که آنها بدون تلفات به مواضع خود باز گشتند.

راه کار دیگری را در همین ارتفاع نیروهای اطلاعات شناسایی کردند. این گروه پس از طی کردن ۱۷۰۰ متر، از موانع اول دشمن، شامل یک ردیف سیم خاردار تک رشته ای، یک ردیف مین منور، دو ردیف مین و المر، یک ردیف سیم خاردار تک رشته ای و سه ردیف سیم خاردار حلقوی، با موفقیت عبور کرد. آنگاه با بررسی اوضاع قصد نفوذ به پشت مواضع دشمن را داشت که در مسیر خود با سنگر کمین عراقی ها - که در فاصله ۱۵ متری آنها قرار داشت - برخورد که یکی از نیروها بر اثر تیراندازی نیروهای عراقی به شهادت رسید؛ در نتیجه این راه کار به دلیل هوشیار شدن دشمن منتفی شد.

در راه کار چهارم که در تپه ۲۴۹ قرار داشت، پنج بار برای شناسایی موانع تلاش شد، لیکن به دلیل مواجهه با کمین نیروهای عراقی بی ثمر ماند و فعالیت در این معبر نیز تعطیل گردید.

راه کار پنجم در سمت راست ارتفاع آبیاری بود که گروه شناسایی این معبر با طی کردن مسافت ۱۷۵۰ متر به میدان مین - که دارای یک ردیف منور و دو ردیف مین و المر بود - رسید. این گروه پس از عبور از میدان مین، برای عبور از سیم خاردار تویی نزدیک خط دشمن تلاش کرد، اما موفق نشد.

بدین ترتیب نتیجه شناسایی ها رضایت بخش نبود و این معضل بزرگی ایجاد می کرد. این وضعیت برای دو گردان امام سجاد (ع) و امام حسین (ع) بسیار غامض تر از سایر گردان ها بود زیرا برابر طرح مانور مقرر شده بود این دو گردان با نفوذ در

عمق، خود را به پشت مواضع دشمن (در تپه ۲۵۴) برسانند و با تصرف جاده آبرزادی عراقی ها را محاصره نمایند. برادر شهامی (فرمانده گردان) در این باره به برادر جعفری (فرمانده لشکر) می گوید:

«خدا شاهد است راهی که می خواهیم برویم اگر فقط دو نفر را بخواهیم ببریم، بد می روند [به سادگی ممکن نیست]... ما باید از زیر پای دشمن برویم آن هم در روشنایی نور مهتاب!؟!... من حساب کردم، اگر ساعت ۸ شب حرکت کنیم، ساعت سه و چهار بعد از نیمه شب هم به پای کار نمی رسیم. پس با این اوضاع نیرو را کجا می خواهید ببرید؟!... مسئله دیگر به علت نبودن جاده در این مسیر، امکان رساندن وسایل به نیروها در حد صفر است و انتقال شهید و مجروح نیز از خط به سختی صورت می گیرد... و به هر حال ما این مسائل را به شما می گوئیم، معایب آن را بر طرف کنید و اگر می خواهید ما از آنجا برویم و تصمیم قطعی دارید، ما از آنجا می رویم... اما آقای جعفری خدا شاهد است برای رفتن چیز [ترس و واهمه] نداریم، بیشتر نتیجه کار است که آدم می خواهد بداند.»

شهامی در ادامه به فرمانده خود می گوید:

«عراقی ها تاکتیک جدیدی در خطوط پدافندی شان به کار برده اند. اولاً خط نامنظمی را ایجاد کرده اند. خطی که وقتی از دیدگاه نگاه می کردیم همه اش میدان مین می دیدیم. ثانیاً خط جلویی دشمن خط فریب بود و خط اصلی مستقیم نداشت، بلکه سنگرهای متعددی داشت. دور هر سنگر هم میدان مین بود. [مانده ایم] که چگونه می توانیم با این میادین مین مبارزه کنیم. چگونه می توانیم خود را به نیروهای دشمن برسانیم. ۶ - ۵ معبر عملیاتی که انتخاب کرده بودیم و برادران رفتند، دشمن کمین متعددی در خط ایجاد کرده بود نکته قابل توجه نوع سنگر بود. پیش از این عراقی ها سنگرهای کمین را که در زمین حفر می کردند، خاک آن را جلوی سنگر می ریختند و این شاخص خوبی برای پیدا کردن سنگر بود. اما عراقی ها این را فهمیده بودند لذا در اینجا خاک سنگر را برده بودند [یا در روی زمین پهن کرده بودند]، بنابراین در تاریکی شب تا نزدیک سنگر هم که می رفتیم، اصلاً متوجه سنگر کمین نمی شدیم و گاهی به کمین

می خوردیم و در یک لحظه می دیدیم که یک نفر از توی زمین بیرون آمد و خلاصه مشکلاتی ایجاد می شد.»

نکته مهم در این گزارش و نیز گزارش های دیگری که از تیم های شناسایی سایر یگان ها دریافت می شد، جملگی از پیچیدگی موانع، استحکامات و زمین مسلح خبر می داد که امکان اجرای عملیات رو در روی را تلویحا نفی و شکستن خطوط دفاعی دشمن را بسیار مشکل قلمداد می کرد.

بدین ترتیب ضرورت رخنه و نفوذ به عمق مواضع قوای دشمن به ویژه از پهلو یا پشت سر، بار دیگر مورد توجه جدی قرار گرفت و اعضای هر تیم شناسایی در صدد برآمدند با استفاده از تجربیات و نبوغ خود راه کاری مطمئن پیدا کنند.

فرماندهی لشکر ۱۷ نیز تأکید داشت تا عملیات از معبری که به پشت مواضع عراقی ها راه پیدا می کند، انجام شود. به ویژه آنکه از ۶ راه کار فقط ۲ راه کار تا حدی برای عملیات قابل اطمینان بود.

در این وضعیت بود که فرماندهان گردان ها از فرمانده لشکر اجازه خواستند تا بار دیگر به شناسایی بروند و نظر نهایی خود را درباره امکان بردن نیرو و اجرای عملیات از معبرها اعلام کنند.

فرمانده لشکر نیز به آنها یادآوری می کند تا در جریان شناسایی، شیارهای موجود در ارتفاعات منطقه را به خوبی شناسایی کنند تا بلکه به راه کار اطمینان بخشی دست یابند.

ساعت ۲۲ شامگاه ۳۱ خرداد فرمانده گردان امام سجاد (ع) (ملا محمدی)، سه فرمانده گروهان این گردان و یکی از نیروهای اطلاعات عملیات (پاک نژاد) بار دیگر عزم خود را جزم کردند تا در جاده آبیادی، معبر مطمئن و کارگشایی پیدا کنند. آنان در تاریکی شب به سوی مواضع عراقی ها حرکت کردند. در طول راه در بسیاری نقاط به دلیل حضور نیروهای دشمن در ارتفاع، با دقت و اختفای بیشتر مسیر را می پیمودند. سرانجام پس از گذشت یک و نیم ساعت با گذر از شیارها و ارتفاعات جبل حمرین به نزدیکی سنگرهای کمین و اولین خط پدافندی دشمن رسیدند. در آن شرایط امکان نزدیکی بیشتر به موانع و مواضع عراقی ها نبود.

از سویی تیم شناسایی دیگر که از جبهه روبرو سعی داشتند معبری را شناسایی کرده و اقدامات لازم را برای تسهیل عبور نیروها فراهم آورند، هیچ نقطه کوری که

از نظر عراقی ها پنهان باشد، پیدا نکردند. حتی سمت چپ و راست مواضع عراقی ها را با دقت بررسی کردند، لیکن نتیجه ای نداشت، زیرا سنگرهای کمین متعددی وجود داشت که عبور از آنها مخاطره آمیز بود. هم چنین در یک چشم انداز، به نظر می رسید به دلیل فاصله زیاد بین دو عارضه طبیعی در طول مسیر، امکان عبور نیروها میسر نباشد زیرا آنان باید مقداری از مسیر را در زیر دید کامل نیروهای کمین یا خط اول عراقی ها طی می کردند که در این صورت با کمترین هوشیاری از سوی نگهبانان عراقی، تلفات و خسارات سنگینی متوجه نیروهای گردان بود. لذا فرمانده گردان و همراهان با وضع موجود هیچ امیدی به عبور بی خطر نیروها و نتیجه رضایت بخش نداشتند.

عقربه های ساعت ۲ بامداد (۱ / ۴ / ۶۵) را نشان می دهند. نور مهتاب فضای منطقه را روشن کرده و نورافشانی منورهایی که گاه و بی گاه عراقی ها شلیک می کنند بر روشنایی زمین منطقه می افزاید. با توجه به گذشت زمان و تنگی وقت سه فرمانده گروهان به دستور فرمانده گردان به عقب بازگشتند و پاک نژاد و ملا محمدی (فرمانده گردان) دل به خدا سپردند و تصمیم گرفتند دو نفری برای گشایشی در گره این محور، از قسمت پوزه آبیاری به طرف ابتدای خط پدافندی عراقی ها، صخره ها را شناسایی کنند تا بلکه راهی برای عبور نیروها به پشت مواضع دشمن پیدا نمایند.

ناگهان به یاد آوردند در گزارش تیم شناسایی صحبت از شیاری در انتهای خط دشمن شده است که در مسیر آن یک سنگر کمین وجود دارد که در صورت خاموش کردن نیروهای کمین، می توان به پشت مواضع عراقی ها رخنه کرد.

آنان به راه خود ادامه دادند. با احتیاط پس از فراز و فرود از هر تپه ای و شیاری داخل شیارها را با دوربین دید در شب (مادون قرمز) به دقت نگاه می کردند. ناگهان در بالای یکی از شیارها پاک نژاد متوجه سنگری شد، شیار را کمی برانداز کردند و حرکت نمودند.

راهی بود که به بالای شیار منتهی می شد، راهی صخره ای که شن ریزه های زیادی داشت. مرتب سر می خوردند، عبور از این مسیر دشوار بود. ناامیدانه تصمیم به برگشت گرفتند. کمی به عقب آمدند که متوجه شیاری دیگر شدند؛ بین جاده آبیاری و خط اصلی دشمن که وقتی به بالای آن نگاه کردند به نظرشان رسید که سنگری آن بالاست.

هر دو خیلی خسته شده بودند. تپه ماهورهای بسیاری را بالا و پایین رفته بودند. پاک نژاد که جثه بزرگ تری داشت از هم رزم خود خواست تا از شیار بالا رود و آن را به دقت بررسی کند. خودش هم این فرصت کوتاه را مغتنم شمرد و به استراحت پرداخت. ملا محمدی دقایقی بعد برگشت و گفت بالا رفتن از صخره ها امکان ندارد.

حالا هر دو خسته تر از گذشته چشم به آسمان دوخته از خدای خود استمداد می طلبند. سرانجام تصمیم گرفتند به عقب باز گردند. ولی باز هم یکی از آن دو راضی به بازگشت نمی شد، زیرا سرنوشت عملیات در این محور به عملیات موفق گردان های امام سجاد (ع) و امام حسین (ع) بستگی داشت. از این رو پاک نژاد از همراه خود خواست دقایقی به استراحت پردازد و خود بار دیگر از صخره مذکور بالا رفت. هنوز چند متری از شیار بالا نرفته بود که احساس کرد انگار از پله بالا می رود. صخره های زیر پایش را که حالت پلکانی داشت یکی پس از دیگری با احتیاط پشت سر گذاشت و بالا رفت، ناگهان خود را بالای ارتفاع دید. باورش نمی شد به این سادگی و بدون آنکه نیرویی از عراقی ها او را تهدید کند، به بالای ارتفاع رسیده باشد.

پاک نژاد در این باره می گوید:

«وقتی ملا محمدی گفت راهی نیست گفتم خیلی خوب... تو اینجا بمان تا من بروم بالای شیار را نگاه کنم. حس ششمی خوبی داشتم. احساس کردم اینجا باید یک راهی باشد که ما بتوانیم نتیجه ای بگیریم. بی اغراق بگویم من اساسا با حس ام توی میدان های مین می روم بدون آنکه مینی را خنثی کنم. از شیار بالا آمدم. انتهای شیار صخره ای بود. سمت راست آن به صورت پرتگاه بود. کمی به سمت چپ رفتم راهی بود که ملایم روی ارتفاع می رفت. یک چیز (راه) خاصی بود. انگار خدا اینجا را طوری قرار داده که من آن را در شب به راحتی بینم کمی که جلوتر رفتم ناگهان در چند قدمی خود متوجه سنگری شدم. در یک لحظه کپ کردم. یعنی افت کردم. اما با تسلط بر خودم نشستم و به سنگر خیره شدم. اطرافم را برانداز کردم، سپس سنگ ریزه ای برداشتم و به طرف سنگر پرتاب کردم تا اگر داخل آن کسی است، واکنش او را بینم. اما هیچ اتفاقی نیفتاد. به آرامی بلند شدم به سمت سنگر رفتم. آرام، آرام به چند قدمی سنگر رسیدم. کمی تأمل کردم. وقتی سکوت محض آن را حس کردم، مطمئن تر به سمت سنگر رفتم. در چند

متری سنگر کانالی دیدم که به سنگر منتهی می شد. در نگاه اول مشخص بود که کانال حفاری شده به منظور اشراف بر تپه و خصوصا شیار راه پله ای است. سنگر را به دقت زیر نظر گرفتم هیچ صدایی نمی آمد. به آرامی و دولادولا جلو رفتم و داخل کانال شدم و با آمادگی برای مقابله با نیروهای عراقی در صورت لزوم، به چند قدمی سنگر رسیدم. دیدم سنگر متروکه است و داخل آن کسی نیست. سنگری غیر مسقف در ابعاد ۱ / ۵ در ۱ / ۵ متر، احساس خوبی داشتم، انگار خدا دنیا را به من داده بود. حالا مطمئن تر از لحظات قبل از درون سنگر به دقت اطراف خود را نگاه کردم، سمت دیگر کانال منتهی می شد به خط اصلی دشمن. از سنگر بیرون آمدم کمی به چپ، مسافت کوتاهی به راست، بالا و پایین را نگاه کردم، در کمال ناباوری خود را کنار جاده آبیادی دیدم، باورم نمی شد. انگار خدا دنیا را به من داده بود. یک لحظه جاده ای را که ادامه اش به پشت مواضع عراقی ها منتهی می شد، در کنار خود دیدم، وقتی نگاه کردم در فاصله ۳۰ متری، یک کانال ۲۵ متری دیدم که دو سنگر هم در کنار آن احداث شده بود. از درون سنگر روشنی فانوسی کم نور که در حدود ۲۰ متری من بود، سوسو می زد. حس کنجکاوی ام مجبورم کرد به سمت آن بروم. به آرامی رفتم به سوی آن سنگر. نزدیک سنگر رفتم. هیچ صدایی شنیده نمی شد. پارچه ای که به دیوار سنگر آویزان بود کنار زدم. سه نفر خوابیده بودند. یک فانوس هم داخل سنگر روشن بود. نگاهم به کلمن آب افتاد. خیلی تشنه بودم. پاورچین جلو رفتم. کلمن را برداشتم تا آب بخورم. ناگهان صدایی شنیدم. یک عراقی از داخل کانال به سوی سنگر می آمد. باید فوری تصمیم می گرفتم یا باید درگیر می شدم یا با تسلط بر خود وانمود می کردم از خود آنها هستم. آب را برداشتم آوردم بیرون. سرباز عراقی از بیرون من را دید. اما بدون اعتنا به من، رفت به سمت یک چادر صحرایی کوچک که احتمالا توالت آنها بود. نفس راحتی کشیدم مقداری آب خوردم. کلمن را سر جایش گذاشتم و از سنگر آنها خارج شدم و بلافاصله برگشتم. مجددا به طرف جاده آبیادی رفتم و به آرامی چپ و راست خود را بررسی کردم. صداهایی از سمت راست توجه ام را جلب کرد، سپس به سمت جنوب جاده مسافتی

حدود ۳۰۰ متر پیش رفتم که سنگر دیگری دیدم. نزدیک سنگر دشمن رسیدم. یک کانال هم بغل این سنگر بود که تردد کل نیروها از داخل آن انجام می شد. نزدیک تر رفتم. اصلا باورم نمی شد که این طور و به راحتی بتوانم در پشت نیروهای عراقی سر در بیاورم. سنگر محل استراحت و سنگر خمپاره انداز ۸۱ که دو نفر در آن خوابیده بودند، کاملاً قابل رؤیت بودند. بعد مسافتی را به سمت چپ جاده رفتم. رسیدم به جایی که جاده دو تا می شد. یک نگهبان عراقی در کنار سنگر دوشکا - که جهت آن به سمت جاده آبیادی بود - ایستاده بود و بعد سنگرهای متعدد دیگر. با دقت و به آرامی میدان مین را جستجو کردم تا در آن معبری را شناسایی کنم. میدان مین در حاشیه جاده بود و معبر آن هم، همان جاده محسوب می شد. به نظرم اصلاً خدا در آن منطقه این شیار را درست کرده، آن هم برای چنین عملیاتی، برای سیلی زدن به صورت صدام با آن ادعایی که کرده بود [عقب نشینی از مهران در مقابل عقب نشینی رزمندگان از فاو]. این معجزه است... در حقیقت وقتی این راه کار پیدا شد تمام آن خاطرات تلخی که در عملیات [والفجر ۳] مهران داشتیم از ذهنم خاموش شد... خیلی خوشحال بودم. انگار خدا بهشت را در دست در اختیار من گذاشت. به خاطر اینکه واقعا احساس می کردم از این راه کار برای شکستن خط دشمن، ما تلفاتی نخواهیم داشت و عملیات هم صد در صد موفقیت آمیز است.»

در پی این موفقیت، پاک نژاد نزد ملا محمدی باز می گردد. ملا محمدی به او می گوید: دیر کردی؟! و بدون آنکه منتظر توضیح پاک نژاد شود، ادامه می دهد: «نگفتم نتیجه ای ندارد.» گرچه پاک نژاد حرفی به او نمی زند، اما ملا محمدی از نوع برخورد پاک نژاد حس می کند که او خیر خوشی دارد. با بی تابی از او سؤال می کند. پاک نژاد دستی به شانه او می زند و می گوید: «برویم تا برایت بگویم.»

ساعت حدود ۳ بامداد به سوی خطوط پدافندی لشکر به راه افتادند و پس از ۴۵ دقیقه پیاده روی به مقر خود رسیدند و به استراحت پرداختند، در حالی که پاک نژاد هرگز در طول مسیر چیزهایی را که دیده بود برای ملا محمدی تعریف نکرد چرا که: «حس کردم نباید به او چیزی بگویم. چون او مسئول گردانی بود که احتمالاً نیروهایش از همین محل عملیات می کردند. بنابراین در صورت آگاهی از این راه کار،

کنجکاو می شد تا در شب های بعدی، این محل را با نیروهایش تست کند و اگر بی احتیاطی صورت می گرفت، همه دستاوردها از دست می رفت.»

محمود پاک نژاد پس از استراحت، ساعت ۹:۳۰ همان روز با حضور در سنگر فرماندهی لشکر، جزئیات این شناسایی را برای فرمانده لشکر و قائم مقام وی و مسئول محور تشریح کرد، لیکن باور کردن اینکه چنین راه کاری که به عمق مواضع عراقی ها در کنار جاده آبزیادی برسد، کشف شده، مشکل بود. همه حدس می زدند او وارد منطقه ممنوعه دشمن شده است و سعی داشتند که او را قانع کنند که اشتباه می کند، ولی پاک نژاد برای اثبات اینکه آنچه دیده و می گوید واقعیت دارد، آنها را به دیدگاه برد و تا حدودی که از پشت دوربین مشخص بود، راه کار و موضع دشمن را به آنها نشان داد. غلامرضا جعفری (فرمانده لشکر) که تا حدودی قانع شده بود، گفت: «در این صورت شاهکار است. خدا واقعا لطف کرد.»

پاک نژاد که حالا احساس رضایت را در سیمای فرمانده خود دید، حس درونی اش را چنین ابراز کرد: «به نظرم در اینجا عنایت و هدایت های خارج از ملاک ها و معیارها مادی و طبیعی را می دیدیم. وقتی خدا دید ما تلاش خود را کردیم و پای کار آمدیم و با آن ملامت ها، افسردگی ها و دلنگی های ناشی از نداشتن نیروی کافی و شرایط سخت جوی و جغرافیایی و غربت بچه های جنگ، ما را به بهترین سمت هدایت کرد.»

پاک نژاد سپس به فرمانده لشکر می گوید: «اگر اجازه بدهید، ما یک بار دیگر می رویم، یک روز در شیار می مانیم.»

جعفری: «روز نمی خواهد به سنگر بروی، فقط برو داخل شیار که می گویی و از آنجا دشمن را زیر نظر بگیر.»

فتوحی (معاون لشکر) هم با استقبال از تدبیر فرماندهی می گوید: «بروند. یک شب و روز هم آنجا بمانند. فرمانده گردان و فرمانده گروهان ها را هم ببرند ببینند تا خودشان مطمئن شوند که آیا می شود رفت یا نه؟ آیا محلی که برای استقرار نیروهای خودی شناسایی شده، دشمن به آن دید دارد یا نه؟»

ساعت ۱:۳۰ بامداد ۳ / ۴ / ۱۳۶۵ پاک نژاد و همراهان راهی شیار پله ای و معبر آن می شوند. آنان که به قصد ماندن یک روز در منطقه دشمن آمده بودند، مختصر تغذیه ای با خود می برند. پس از گذشت ۲ ساعت به شیار می رسند و بدون بروز

حادثه ای از آن بالا می روند.

آنها تمام شب را در سکوت و مراقبت در سنگر متروکه می گذرانند و با دقت کلیه نقل و انتقالات، رفت و آمدها، تعویض پست های نگهبانی و... را در ذهن می سپارند. با روشن شدن هوا پاک نژاد که از بی خوابی های متوالی بسیار خسته شده بود از ناصر حمزه ای می خواهد تا فرماندهان گروهان ها و دسته ها را توجیه کند.

«هنوز از توصیه حاج محمود برای توجیه نیروها دقایقی نگذشته بود که [دیدم حاج محمود خوابیده، خواب که چه عرض کنم. خوابیدن همراه با خروپف، خیلی جالب بود. از یک طرف ما دلشوره و اضطراب داشتیم چون اولاً بین دشمن بودیم، دوم اینکه روز شده بود و هر لحظه احتمال داشت فرماندهان عراقی برای سرکشی از سنگرها به طرف ما هم بیایند تا مسیرها را چک کنند. به همین خاطر اضطراب داشتیم. احساس می کردیم اگر اینها سراغ این سنگر بیایند چه اتفاقی می افتد. البته نگرانی ما از درگیر شدن با عراقی ها نبود. بلکه بحث این بود که نکند از این فرصت طلایی که به دست آورده ایم محروم شویم. چرا که امید بسیاری در دل ما بوجود آمده بود و قفل عملیات می توانست با این کلید باز شود. بنابراین اگر لو می رفت به نوعی همه امیدها به یأس تبدیل می شد. پس از توجیه همراهانم، از شدت اضطراب حاج محمود را صدا زدم تا از خواب بیدار شد گفتم اگر عراقی ها بیایند چکار کنیم؟ اگر درگیر بشویم، معبر لو می رود. اگر نزنیم، گیر می افتیم. حاج محمود هم در حالی که آسوده دراز کشیده بود گفت: نه نترسید، اگر اینها بیایند و ما را در این وضع نگاه کنند، خودشان هول می کنند.»

صبوری و شکیبایی پاک نژاد در چنین لحظات حساسی، به تدریج موجب آرامش همراهان شد. حالا آنها از داخل سنگر با آرامی، منطقه دشمن را در روز روشن شناسایی می کردند و در ذهن برای گروهان و دسته خود مانور طراحی می کردند. آنها برای اینکه به هنگام سرک کشیدن از درون سنگر، سیاهی موهای سرشان جلب توجه نکند، گونی به سر خود کشیده بودند و سوراخ هایی را در مقابل چشم خود ایجاد کرده بودند. نیروهای عراقی هم بدون آنکه متوجه آنان باشند به رفت و آمد و کارهای خود مشغول بودند. اسم یکدیگر را صدا می زدند. عبدالحمید، جابر و...

در این مدت چندین خودروی ایفا و جیب فرماندهی روی جاده رفت و آمد

کردند. اما تردد روی جاده بسیار کم بود. نکته مهم دیگر تست کردن شیاری بود که در فاصله ۱۵۰ متری نیروهای عراقی قرار داشت. شیاری که تا حدودی کور بود و عراقی ها در این مدت متوجه حضور رزمندگان ایرانی در آن نشدند.

ساعت ۵ بعد از ظهر بود. پاک نژاد، حمزه ای و همراهان پس از این مدت طولانی، دیگر احساس نگرانی نمی کردند و بسیار خوشحال بودند. حمزه ای با هیجان خاصی در این باره می گوید: «خیلی جالب است. اسم فرمانده گروهان و نگهبان عراقی را هم می دانستیم. اصلا حرکتی نوین و یک وضعیت جدید و کار جدا قشنگی بود.»

دقایقی به غروب خورشید نماند بود. نیروها درون سنگر خود را آماده بازگشت کرده بودند که ناگهان یک جیب فرماندهی عراق که علامه بر راننده سه نفر دیگر سوار آن بودند، از روی جاده آبرزادی آهسته به سمت سنگر آمدند. در یک لحظه نفس ها در سینه حبس شد. نزدیک به ۱۵ ساعت حضور در سنگر، بدون حادثه ای گذشته بود و اکنون خطر افشای آنها بسیار محتمل بود. هیچ واکنشی متصور نبود، شاید تنها یک معجزه می توانست به این وضعیت بسیار حساس خاتمه دهد. پاک نژاد و همراهان خود را بیشتر جمع و جور کردند و داخل سنگر که سقف نداشت، نگران روی دو زانو حالت هجومی به خود گرفتند تا در صورت رو در رو شدن با نیروهای عراقی از خود دفاع کنند.

خودروی عراقی به آرامی جلو آمده در پنجاه شصت متری سنگر و به سمت شیاری که نیروها از آن بالا آمده بودند، توقف می نماید. فرمانده ارشد عراقی و همراهان از خودرو پیاده می شوند و فرمانده نگاهی به اطراف می اندازد و توضیحاتی به همراهان می دهد. سپس با قدم هایی آهسته به سمت شیاری می آیند. آنها پرتگاهی عمیق را جلوی چشمان خود می بینند که احتمال نفوذ نیروی از آن در حد صفر است. لذا پس از توجیه و بدون آنکه به چیزی مشکوک شوند، سوار خودرو می شوند و با آن به سوی سنگر فرماندهی که در همان نزدیکی قرار داشت، می روند.

صدای دور شدن خودرو، به نیروهای درون سنگر مجال می دهد که با نفسی عمیق بر هیجان لحظات پر اضطراب غلبه کنند. «همگی سجده شکر به جا آوردیم. واقعا متحیر بودیم که چطور از این راه ۸۰ تا ۱۰۰ متر منطقه خالی، غفلت کردند و به سوی سنگر مترو که نیامدند. [البته شاید حق داشتند] چون وقتی کسی لب این شیاری می ایستاد و پرتگاه آن را نگاه می کرد اصلا نمی توانست تصور کند که کسی

جرأت کند لب این پرتگاه بیاید.»

با خاتمه کار شناسایی و اثبات اینکه می توان به پشت مواضع دشمن دست یافت، شور و شعف بیشتری در چهره پاک نژاد ایجاد شد. اما این احساس هنوز خاص او بود چون همراهان او به رغم احساس رضایت از وجود چنین معبری، ته دل نگرانی داشتند. این مسئله را می شد از ابراز نظر حمزه ای درک کرد:

«آن شیاری بود که خدا و کیلی اگر یک عراقی یک پاکت تخمه و یک جعبه نارنجک کنارش می گذاشت و هر چند وقت یکبار، یک نارنجک توی شیار می انداخت، کسی زنده نمی ماند. یعنی اینقدر مسیر بسته و سخت بود.»

پس از بازگشت، گزارش شناسایی مجدد به فرمانده لشکر داده شد. غلامرضا جعفری اگر چه خاطرش آسوده بود اما دلش آرام و قرار نداشت. برای رفع نگرانی، به بهانه آخرین بررسی و آگاهی از میزان هوشیاری نیروهای عراقی تصمیم گرفت به نقطه رهایی برود. پاک نژاد به لحاظ رعایت مسایل حفاظتی و امنیت جان فرمانده لشکر، تلاش کرد که او را از این تصمیم منصرف کند، اما نتوانست. شب هنگام فرمانده لشکر به اتفاق برخی از فرماندهان گردان های عمل کننده عازم نقطه رهایی شدند. از شیار بالا- می روند و در یک چشم به هم زدن جعفری خود را روی جاده آبیادی می بیند. او ناباورانه به بررسی مواضع دشمن می پردازند. «حتی داخل یک سنگر رفتیم و وضعیت را بهتر دیدیم. این راه کار بر خلاف پنج راه کار دیگر بر نیروهای دشمن تسلط داشت، نه بر میادین مین. در واقع جنگ ما، جنگ با کمین عراقی ها نبود، جنگ با میادین مین نبود، ما فقط جنگ با نیروهای غافل داشتیم که تا این لحظه اصلا متوجه حضور ما طی چندین نوبت شناسایی نشدند.»

راه کار فوق، چنان اطمینانی در فرمانده لشکر ۱۷ ایجاد کرد که پس از بازگشت مانور جدیدتری را برای یگان خود طراحی نمود. وی ضمنا برای رعایت اصل غافل گیری، به مسئولان واحد اطلاعات - عملیات تأکید کرد تا شب عملیات کسی حق مراجعه به این راه کار را ندارد. صبح همان شب فرمانده لشکر ۱۷ با معاونش عازم قرارگاه شده و ضمن تشریح راه کار جدید برای برادر رحیم صفوی، گفتند که ما می خواهیم معابر مقابل منطقه آبیادی و حمیرین را حذف کنیم و به پشت دشمن برویم.

جانشین فرمانده نیروی زمینی پس از گزارش فرماندهان لشکر ۱۷، در حالی که احساس رضایتمندی در چهره اش محسوس بود، با تصدیق صحبت های جعفری و

فتوحی ضمن آنکه نفوذ به عمق دشمن را کاری مهم و شایسته برشمرد ولی آن را خطرناک و بسیار ریسک پذیر اعلام کرد. وی (رحیم صفوی) این کار را مثل هلی برن توصیف کرد و در مورد پشتیبانی از نیروهای عمل کننده و امکان ارتباط زمینی با آنها احساس نگرانی می کرد. جعفری و فتوحی نیز این نگرانی را تأیید می کردند.

آنچه بدیهی بود اینکه پس از پیدا شدن راه کار جدید، همه فرماندهان لشکر ۱۷ بر این نظر بودند که اگر تا انتقال نیروها به نقطه رهایی حادثه ای رخ ندهد، تضمین پیروزی و غلبه رزمندگان بر نیروهای عراقی تا ۹۰ درصد افزایش خواهد یافت و در غیر این صورت این اقدام فقط نوعی ریسک تلقی می شد.

هنگام تشریح شناسایی با کلیه جزئیات و توجیه این راه کار برای نیروهای عمل کننده و بیان چگونگی اجرای عملیات، آن هم در عمق ۸ کیلومتری دشمن و از منطقه ای کاملاً استثنایی، چنان هیجانی در رزمندگان ایجاد شده بود که به راحتی در چهره یک به یک شان نمایان بود. همه به وجد آمده بودند و برای عزیمت به منطقه لحظه شماری می کردند. شاید میان همه آنچه به آنها گفته شد، مهم ترین موضوع صعود از معبری به ارتفاع حدود ۳۰ متر (تا رسیدن به جاده آبیادی) بود. این احساس و هیجان را حتی خود فرمانده گردان ها نمی توانستند پوشیده بدارند. فرمانده یکی از گردان ها در این باره می گوید:

«موقعی که از شناسایی برگشتیم و بچه ها (نیروها) را توجیه کردم، یک حس عجیبی در من به وجود آمده بود. یک حس غرورآمیز، و اینکه همه خطرها بازیچه ای بیش نیست. یعنی آنقدر احساس بزرگی و غرور و شجاعت می کردیم، چرا که یک روز تمام میان عراقی ها بودیم و کسی هم متوجه ما نشده بود. احساس برتری می کردیم نسبت به عراقی ها. نیروها هم وقتی به منطقه توجیه شدند، انگار این حس به آنها هم تزریق شد. همه این احساس را داشتند که کی می شود به این شیار بروند، بیش از ۲۰ ساعت خود را از چشم دشمن مخفی نگه دارند، بعد از معبر بالا بروند و ناگهان روی سر عراقی ها بریزند.»

با شروع عملیات، رزمندگان لشکر ۱۷ از همین معبر عملیات خود را شروع کردند و با موفقیت به اهداف خود دست یافتند در حالی که نیروهای عراقی کاملاً غافلگیر شده بودند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

